

افغانستان یک حکومت جمهوری اسلامی است که در حدود **30** میلیون نفوس دارد. مردم به اساس قانون اساسی جدید در سال **2004** حامد کرزی را بصفت ریس جمهور انتخاب نمودند و یک سال بعد پارلمان جدید شان را نیز برگزیدند. در حالیکه انتخابات با معیارهای جهانی برای انتخابات عادلانه و آزاد مطابقت نداشت اما مردم افغان نستان نتیجه انتخابات را قابل قبول خواندند و انتخابات اساس رشد دموکراسی بسطی مرکزی و منطقوی را ایجاد نمود. ادامه شورشها قابلیت حکومت در کنترل موثر بر مناطق متعدد کشور را با چالش مواجه ساخته است. در حالیکه مقامات ملکی معمولاً قوای امنیتی را اداره میکند اما مواردی وجود دارد که تعداد از افراد قوای امنیتی مستقلانه عمل کرده اند.

ریکارد مراعات حقوق بشر در افغانستان هم چنان ضعیف باقیمانده است. تخطی ها از حقوق بشر شامل قتل های بدون محاکمه، شکنجه، حالت خراب زندان ها، معافیت رسمی، حبس طویل قبل از محاکمه، محدودیت ها بر آزادی مطبوعات و مذهب، تشدد و تبعیض های اجتماعی بر ضد زنان، تبدیل کننده گان دین و اقلیت ها، سوء استفاده جنسی از اطفال، قاچاق انسان، سوء استفاده از حقوق کارگران و کاربر اطفال بوده است.

در حالیکه حکومت حاکمیت خویش را به مراکز ولایات گسترش داده بود طالبان و یا گروه های که در کنترل حکومت نیست بعضی از مناطق را کنترل میکردند. در جریان سال بیش از **6340** نفر در نتیجه حملات شورشیان چون حملات انتحاری، بمب های کنارجاده جان باختند در حالیکه در سال **2007** تعداد قربانیان همچو حملات **6500** نفر بود. اکثریت کشته شده گان شورشیان بودند که در جریان جنگ ها کشته شدند. طالبان و عناصر مخالف حکومت هم چنان مسئول تهدید ها، چپاول، حمله و قتل دهاتیان، مقامات حکومتی، خارجی ها و کارمندان مؤسسات غیر دولتی بودند. مقامات هیت معاونیت ملل متحد یا یوناما گزارش داد که طی این سال **2118** فرد ملکی بقتل رسیده اند که بمقایسه سال **2007** که طی آن **1523** فرد ملکی در جنگها جان باخته بودند افزایش **39** درصد را نشان میدهد. حکومت قانونی را نافذ ساخت که بر طبق آن قاچاق انسان جرم پنداشته میشود.

احترام به حقوق بشر

فصل اول: احترام به عزت فردی که شامل آزادی از:

الف. مرگ عمدی و غیر قانونی

گزارشهای متعددی وجود داشته که مقامات حکومتی و یا نماینده های شان به کشتار های بدون محاکمه و یا غیر قانونی متوسل شده اند. همچنان در جریان سال طی شورش های جاری افراد ملکی در جریان جنگها کشته شده، قتل های افراد مهم توسط عناصر نامعلوم صورت گرفته، قتل های دارای انگیزه سیاسی توسط شورشیان بوقوع پیوسته است.

در ماه می گزارشگر خاص ملل متحد در مورد اعدام های بدون محاکمه، فوری و عمدی از کشور دین نمود و موارد متعددی را گزارش داد که در آن پولیس با معافیت افراد ملکی را بقتل رسانده است. تمرکز اصلی وی بر ضرورت اصلاحات در پولیس ملی افغان و سیستم قضایی بود، او خواهان جلوگیری از تخطی های طالبان و سایر عناصر ضد حکومتی شد و خواهان رسیده گی به کشتار بدون محاکمه زنان شد که معمولاً نادیده گرفته میشود.

گزارش ابتدایی وی که بتاريخ **29** می نشر شد میگوید هرچند امار دقیق همچو قتل ها وجود ندارد اما تعداد قتل های ادعا شده بعدی بود که به افغانها مخصوصاً در جنوب کشور دلایلی را فراهم سازد تا از طالبان حمایت کنند. بر طبق گزارشهای مطبوعات بتاريخ **10** می پولیس در ننگرهار بر تظاهرکننده گان آتش کشود که **2** فرد ملکی

را کشت. در ماه نومبر حکومت 16 تن از زندانیان را اعدام نمود و الی اخیر سال دوسیه های 85 از زندانیان محکوم به اعدام منتظر تجدیدنظر ریس جمهور کرزی بود. ملل متحد، اتحادیه اروپا و تعداد زیادی از سازمان های غیر دولتی اعدام ها را محکوم نموده اذعان داشتند که عدم موجودیت پروسه مقتضی قانونی در سیستم قضایی محاکمه عادلانه را تضمین کرده نمیتواند.

در تحقیقات در مورد قتل 10 نفر توسط پولیس در ولایت جوزجان انکشاف تازه وجود نداشت ونیز در مورد ادعاهایکه در 15 زندانی در محبس پلچرخ در اکتوبر 2007 که تحت فرمان حکومتی صورت گرفت شفافیت وجود نداشت کدام معلومات تازه وجود ندارد.

بتاریخ 3 اگست یک فرد مسلح ناشناس یک مامور عالیرتبه وزارت مالیه را در کابل بقتل رساند. بتاریخ 4 سپتمبر فرد ناشناخته ریس محکمه استیناف مرکزی برای مواد مخدر را در خارج از منزلش در کابل از پادراورد. مقامات یک فرد مشکوک را به توطیه برای قتل متهم کردند. به اساس گزارش پولیس بتاریخ 12 سپتمبر یک بم که از دور کنترل میشد والی لوگر و سه محافظ وی را بقتل رساند. طالبان مسولیت این کشتار را پذیرفتند. طالبان همچنان مسولیت تیراندازی را بعهده گرفتند که بتاریخ 27 سپتمبر در کندهار صورت گرفت و طی ان ملالی کاکر یک افسر عالیرتبه پولیس زن کندهار کشته شد. افراد نامعلوم همچنان تعداد زیادی از افراد عالیرتبه دولتی را بقتل رساندند که اکثریت قاطع این اعمال در نتیجه شورشهای جاری صورت گرفته است. بتاریخ 10 اپریل مقامات در بلخ یک گور دسته جمعی را در ولسوالی دهدادی کشف کردند که اجساد حد اقل 10 نفر در ان وجود داشت. کارگران ساختمانی در شهر مزارشریف ولایت بلخ بتاریخ 12 جون گور دسته جمعی دیگری را کشف نمودند که بقایای حد اقل 10 جسد در ان موجود بود. مقامات محلی در مورد هر دو قضیه به مطبوعات گفتند که هر دو گور متذکره مربوط به دوران طالبان بوده است. مطبوعات گزارش دادند که دو گور دیگر دسته جمعی در نواحی کابل حوالی 29 جون کشف شد که یکی 16 جسد داشت و در دیگری 12 جسد موجود بود. مقامات یکی ازین اجساد را شناسایی نمودند که وی ریس جمهور قبلی محمد داود بود که در سال 1978 در ارگ ریاست جمهوری کشته شد. انکشافات تازه در مورد گور دسته جمعی که در اپریل 2007 در بدخشان کشف شد وجود نداشت.

ناپدید شدن‌ها

گزارشها وجود داشت که در جریان سال گروههای شورشی و جنایتکاران مردم را در ارتباط با شورشهای جاری اختطاف و ناپدید ساخته اند.

ب: شکنجه و سائر انواع رفتار و یا مجازات غیر انسانی و توهین آمیز

قانون اساسی همچو اعمال را ممنوع قرار می دهد اما گزارشاتی وجود داشت که مامورین حکومتی، مامورین زندانها، افسران پولیس رهبران قومی در تخطی ها از حقوق بشردست داشتند. مؤسسات غیر دولتی گزارش داد که قوای امنیتی به استفاده غیر ضروری از قوه متوسل شده که در آن لت و کوب، شکنجه افراد ملکی شامل بود.

سازمان های حقوق بشری گزارش دادند که مقامات محلی بصورت منظم به شکنجه و تخطی از حقوق زندانیان پرداختند. کشیدن ناخن های دست و پای، سوختاندن با روغن گرم یا روغن داغ کردن، لت و کوب، تجاوز جنسی بر زنان و مردان در انواع شکنجه شامل بود. گزارش 21 فبروری سرمنشی ملل متحد حاکی از ان بود که زندانیان کماکان از شکنجه توسط افراد امنیتی حکومت شکایت داشتند.

سازمان عفو بین المللی در نوامبر 2007 گزارش داد که زندانیان بعد از آنکه به مقامات محلی سپرده شوند بصورت مکرر شکنجه میشوند. گزارش از موارد مشخص شکنجه تذکر بعمل آورده و گفته است که سازمان عفو بین المللی راپورهای مسلسل از افراد و سازمانهای جهانی بدست آورده است که بر طبق آن ریاست امنیت ملی به روش نامناسب و شکنجه متوسل میشود. حکومت این ادعاها را رد نمود.

وزارت امور زنان و سازمان های غیردولتی گزارش دادند که پولیس مکررا زنان زندانی و محبوسین را مورد تجاوز جنسی قرار میداد. گزارشات سوء استفاده از حقوق بشری توسط طالبان و سایر گروه های شورشی نیز وجود داشت. گزارشهای مطبوعات و تحقیقات ابتدایی نشان میدهد که طالبان در جریان تحقیقات از انانیکه از جانب طالبان متهم به همکاری با حکومت مرکزی و یا قوای ائتلاف اند از شکنجه کار می گرفت. بر طبق منابع خبری طالبان مسولیت همچو اعمال را از طریق تماس مستقیم با رسانه ها بدوش می گرفت.

بر طبق گزارش 25 جون کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان حدود نیمی از اطفالیکه در توقیفگاه ها و یا یتیم خانه ها بسر میبرند معروض به سوء استفاده جسمی اندیک پسر 13 ساله به کمیسیون گفت که پولیس وی را با قنداق تفنگ تا زمانی لت وکوب نمود که از وی اقرار گرفت. بر طبق راپور شورای امنیت ملل متحد قضایای که طی آن مقامات دولتی اطفال محبوس را تهدید نموده و یا با آنها روش نامناسب نموده باشد در جریان سال وجود داشت.

وضعیت زندان ها و توقیفگاه ها

وضعیت زندان ها هم چنان خراب باقیمانده بو د. ساختمان های زندان ها فرسوده شده و خیلی مزدحم اند و دارای تسهیلات کانالیزا سیون نبود و کاملا با معیارهای بین المللی مطابقت نداشت. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پیوسته گزارش میداد که در زندانهای افغانستان آب و نان کافی وجود ندارد. تسهیلات خروج فاضل آب خراب است و امراض ساری وجود دارد که اینها از شرایط عام در زندانها است. کلینیک های معالجه زندانیان اگر وجود هم داشته باشد دارای وسایل طبی کافی نیستند. بیماران مصاب به بیماری های ساری و عقلی عصبی به ندرت از سایر زندانیان جدا ساخته شده اند.

حکومت گزارش داد که در هر یک از 34 ولایت افغانستان یک محبس وجود دارد و نیز 203 توقیفگاه بسطح ولسوالی ها ساخته شده است. حکومت همچنان گزارش داد که 30 دارالتادیب فعال اطفال در کشور وجود دارد و 22 محبس زنانه و 4 توقیفگاه بسطح ولسوالی برای نگهداری محبوسین اناث الی اخیر سال ساخته شده است. اطفالیکه مادران شان محکوم به ارتکاب جنایت شوند معمولا همراه با مادران زندانی شان یکجا زنده گی میکنند مخصوصا هرگاه اطفال سرپرست خانواده گی دیگری نداشته باشند. زندانها محبوسین را از هم جدا نمیسازند و در زندانها تعداد کافی اماکن بودوباش برای زنانیکه اطفال شان را همراه دارند وجود نداشت. زنان هیچگاه یکجا با مردان زندانی نمیشدند. بصورت عموم زندانیانی که در انتظار محاکمه بسر می برند از سائر زندانیان بصورت جداگانه نگهداری نمیشوند.

بتاریخ 23 سپتمبر یک محکمه یک عسکر اردوی ملی را که یک دختر 11 ساله را در ولایت جوزجان مورد تجاوز جنسی قرار داده بود به 15 سال حبس محکوم نمود. حکومت به کمیته بین المللی صلیب سرخ اجازه داد تا از تمام زندان های که توسط امنیت ملی و وزارت عدلیه اداره میشود دیدن نماید. و کمیته متذکره بصورت منظم از از بیش از 80 توقیفگاه دیدن نمود. محدودیت های امنیتی بعضا مانع دیدار صلیب سرخ از توقیفگاه ها میشد و در مورد تمام توقیفگاه ها و توقیف شده گان به کمیته صلیب سرخ بین المللی معلومات داده نشده بود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز بصورت منظم از وضع زندان ها در سرتاسر کشور نظارت میکرد اما مقامات کمیسیون می گویند در چند مورد محدود نماینده های آنها با محدودیت های چون عدم دسترسی کامل به این زندانیان مواجه شده اند.

برطبق راپور **21** فبروری ملل متحد در برخی موارد رهبران قبایلی افراد متهم به جرم را در زندانهای شخصی نگهداری میکردند. گزارش میگوید مقامات محلی وقتی از موجودیت چنین توقیفگاه های شخصی آگاه شوند معمولاً مداخله نمیکردند. انجوها گزارش دادند که رهبران قدرتمند محلی و شورشیان بشمول طالبان تا هنوز محابس شخصی دارند. صلیب سرخ و کمیسیون مستقل حقوق بشر به زندانیان و اختطاف شده گانی که در محابس شخصی نگهداری می شدند دسترسی نداشت.

باز داشت ها و دستگیری های خودسرانه یا عمدی

برطبق قانون ممنوع است اما این دو مشکل بصورت جدی وجود داشت.

نقش پولیس و دستگاه امنیتی

پولیس ملی تحت فرماندهی وزارت داخله اصولاً مکلف به تامین نظم داخلی است. ریاست امنیت ملی قضایای امنیت ملی را تحقیق نموده به مثابه شبکه استخباراتی عمل میکرد. اما در بعضی مناطق نسبت اینکه حکومت نتوانسته است بر آنها کنترل داشته باشد افراد قدرتمند که ادعا میشود با شورشیان ارتباط دارند قدرت قابل ملاحظه خویش را حفظ کرده بودند. سازمان اتلانتیک شمالی یا ناتو هم چنان فرماندهی قوای بین المللی تحت اشراف ملل متحد موسوم به قوای جهانی کمک به امنیت (ایساف) را بعهده داشت که با قوای امنیتی افغان همکاری نزدیک داشت.

معافیت رسمی از تعقیب قانونی یکی از مشکلات عمده باقیمانده بود. پوسته های غیرقانونی سرحدی که بر طبق گزارشها تعدادی از آنها توسط رهبران قبیلوی و افراد پایین رتبه شورشیان کنترل میشوند از مردم پول میگرفتند. گروه های حقوق بشرو بازداشت شدگان گزارش دادند که افراد پولیس در بدل رهائی از زندان و بخاطر جلوگیری از دستگیری ها از مردم رشوت اخذ میکردند.

دفتر حقوق بشری وزارت داخله شکایات در مورد بدرفتاری پولیس را دریافت مینمود و به ان پاسخ میداد و در هرولایت حد اقل دو افسر پولیس را که بتواند تخطی های حقوق بشر را تشخیص و گزارش دهد تربیه نمود و نیز در هر تلاشی کابل یک مامور پولیس برای عین وظیفه تربیه شد. ارتباطات و تنظیم گزارشها میان قوای پولیس ولایات و مراکزشان در وزارت داخله هنوز هم مایه نگرانی بود. اصلاحات اداری رتبه و معاش که در سال **2006** آغاز شده بود تقریباً تکمیل گردیده بود. تجدید نظر در سیستم رتب بخاطری صورت گرفت تا معاشات پولیس ملی با همتایان شان در اردوی ملی یکسان شود. این اصلاحات طی دو سال گذشته منجر به تقاعد و یا تعلیق وظایف بیش از **73** هزار پولیس گردید. حمایت بین المللی جهت استخدام و تربیه افراد جدید پولیس ملی مشروط به این بود که افراد جدید بشکلی جذب و آموزش ببیند که با معیارهای جهانی حقوق بشری مطابقت داشته و از این طریق یک قوای مسلکی بمیان آید. جامعه بین المللی به کار خود با حکومت ادامه داد تا بتواند پروگرام های تربیوی و سیستم تحقیقات داخلی را بخاطر جلوگیری از فساد و تخطی های بشری قوای امنیتی ایجاد کند. در **18** ماه گذشته بیش از **25** هزار افسر پولیس ملی بر علاوه آموزشهای مسلکی پولیسی در مورد قانون اساسی، ارزشهای پولیس، پیشرفتهای مسلکی، جلوگیری از خشونتهای داخلی و معیارهای اساسی حقوق بشر معلومات حاصل نمودند. تحت پروگرامی که هدف ان انکشاف و لسوالیها بود پولیس ملی در ساحات مهارت های پولیسی

بشمول حقوق بشر در قرارگاه آموزشی در مرکز و در مراکز تعلیمی منطقوی برای 8 هفته آموزش دیدند. اما باوجود ان مشکلات تخطی از حقوق بشری وجود داشت.

حکومت سعی کرد تا مانع فساد در عرصه امنیتی گردد و بهمین منظور در جریان سال سیستم تادیه مستقیم معاشات به پولیس و اردو را از طریق ارسال پست برقی بوجود آورد تا سیستم تادیه معاشات را شفافتر و مسولانه بسازد و چانس فساد را در ان کمتر نماید. در ماه جولای کمیسیونی تحت ریاست قاضی القضاة عبدالسلام عظیمی گزارشی را در مورد فساد اداری نشر نمود. بخاطر تطبیق سفارشات این راپور ریس جمهوری کرزی با صدور فرمانی کمیسیون عالی نظارت بر فساد را تاسیس نمود که وظیفه ان نظارت بر همه تلاشهای ضد فساد حکومت بشمول تحقیقات وسیع و تعقیب عدلی بود. در ماه اگست شورای ملی قانون شورای عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی ضد فساد اداری را تصویب نمود. این قانون خواهان ازدیاد شفافیت و احتساب در وزارت خانه ها، تشدید قوانین مربوط به قراردادها و افزایش دسترسی قانونی به معلومات در مورد دارایی های افراد بلندرتبه دولتی بود. ریس جمهور کرزی ریس این کمیسیون را در ماه سپتمبر مقرر نمود. در جریان ماه دسمبر کمیسیون دفتر مرکزی اش را در کابل تاسیس نمود و تعداد معدودی از مامورین را مقرر نمود. حکومت همچنان یک واحد ضد فساد را در چوکات لوی سارنوالی ایجاد نمود. در اخر سال تلاشها بخاطر تقرر مستنطقین درین واحد جریان داشت.

نهادهای غیردولتی و فعالین حقوق بشر گزارش دادند که خشونت های اجتماعی مخصوصا بر ضد زنان خیلی زیاد بود و در برخی موارد قوای امنیتی نه از حادثه جلوگیری کردند و نه هم به داد قربانیان رسیدند.

دستگیری و حبس

دستگیریهای عمدی و توقیفها به صفت یک مشکل باقی بود.

قانون دسترسی به وکیل، استفاده از ضمانت، و حکم محکمه را مطالبه میکند و حدی را که میتوان محبوس را بدون کدام اتهام بر ضد او در قید نگهداشت تعین میکند. به بازداشت شده گان اکثرا در مورد نوعیت اتهام بر ضد انها معلومات داده نمیشد. پولیس حق دارد یک مظنون را بخاطر تکمیل تحقیقات ابتدائی حد اکثر برای 72 ساعت در توقیف نگهدارد. اگر پولیس میخواهد که دوسیه را تعقیب کند به خارنوالی انتقال میشود و خارنوالی باید مظنون را در ظرف 48 ساعت ملاقات کند. خارنوال تحقیق میتواند در حالیکه به تحقیق خود ادامه میدهد فرد مظنون را بدون کدام اتهام الی 15 روز از تاریخ دستگیری در توقیف خود نگهدارد. خارنوال باید اتهام نامه خود را الی 30 روز بعد از دستگیری درج نماید و یا دوسیه را بسته کند. در عمل اکثریت زندانیان از مزایای بیشتر و یا همه این احکام قانون مستفید نمی شدند. مؤسسات غیر دولتی پیوسته گزارش دادند مقامات زندان محبوسین را بدون کدام اتهام برای ماه ها در حبس نگهداشته اند. مطبوعات و گروه های حقوق بشری از دستگیری های عمدی در اکثر ولایات کشور گزارش می دادند. درمورد حبس افراد قبل از محاکمه یکرنگی خاصی وجود نداشت. سرمنشی ملل متحد در گزارش ماه مارچ 2007 خود گفت در بسیاری موارد حبسهای طویل قبل از محاکمه وجود داشته و به مظنونین حق دسترسی بوکیل داده نمیشد.

پولیس اکثراً زنان را بنا بر درخواست اعضای خانواده های شان بجرم زنا توقیف میکنند مفهومی که وسیعا به معنی فرار از خانه، عدم قبول پیشنهاد خانواده در عقد ازدواج، فرار از خشونت خانوادگی، فرار با معشوق، بتخلف از سایر موازین اخلاقی همچو روابط جنسی و یا جماع قبل از ازدواج اطلاق میشود. بر طبق گزارشها مقامات تعدادی زیادی از زنان را وفتیکه بخاطر داد رسی جرمی که بر ضد آنان صورت گرفته است عارض میشدند خود شان را گرفتار مکردند و یا هم زنان در بدل جنایت شوهر شان و سایر اقارب انها زندانی میشدند. بعضی از زنان بخاطری در حبس نگهداشته شدند که اقارب مردشان را از ارتکاب عکس العمل خشن باز دارند

مقامات مدت توقیف قبل از محاکمه را مراعت نمی کردند. توقیف طولانی قبل از محاکمه قسماً بخاطری تا هنوز بصورت یک شکل باقیمانده بود که سیستم قانونی بحد کافی نیرومند نبود تا قضایا را بصورت سریع حل کند. در

موارد دیگر سیستم قضایی سریع عمل میکرد اما در سیستم عدلی قضایای که به ستره محکمه بخاطر استیناف طلبی راجع میشد در مدت حدود **10** ماه فیصله میشد. سیستم تعهدنامه وجود نداشت و عریضه رهایی متهم اکثراً مفقود میشد. مقامات متهمین را مجدداً دستگیر نمیکردند حتی اگر یک محکمه استیناف آنها را در غیاب محکوم میکردند. کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، صلیب سرخ بین المللی و کمیسیون حقوق بشر افغانستان همه میگویند که بازداشت های عمدی و توقیف های طولانی قبل از محاکمه بصورت متواتر در سر تا سر کشور وجود داشت. قانون موقت جزا محدودیتهای را بر توقیف قبل از محاکمه وضع کرده است. در موارد متعدد محاکم این ضرب الاجل ها را مد نظر نگرفت. مؤسسات غیر دولتی پیوسته گزارش دادند مقامات زندان محبوسین را بدون کدام اتهام برای ماه ها در حبس نگهداشته اند. در جریان سال موارد متعددی در کابل وجود داشت که پولیس مردم را بعد از آنکه بی گناه ثابت میشدند در حبس نگاه میداشتند.

پروژه طولانی محاکمه قسمی نسبت موجودیت نقایص شدید در سیستم قضائی است. در اخیر سال در کشور **680** وکیل مدافع با وزارت عدلیه ثبت بود ستره محکمه گزارش داد تعداد قضات در کشور **1652** نفر بوده که از جمله **189** قاضی زن وجود داشت. مؤسسات غیردولتی بین المللی گزارش دادند که تعداد و خارنوالان از **2000** الی **2500** نفر بودند که اکثریت آن ها فاقد تعلیمات رسمی حقوقی بودند. بتاريخ **30** جولای نخستین انجمن وکلای مدافع تاسیس شد. الی اخیر سال حدود **300** وکیل مدافع درین سازمان ازاد ثبت نام نمودند. در جریان سال گروه های بین المللی با وزارت عدلیه کار کردند تا در چوکات قانون اساسی کمک های حقوقی را فراهم ساخته و به **850** خارنوال، وکیل مدافع و قاضی تعلیمات مسلکی فراهم نمودند. دفتر لویخارنوالی **200** وکیل مدافع دیگر را استخدام نمودند تا جاگزین مستنطقینی شوند که فاقد آموزشهای حقوقی بودند.

وزارت عدلیه افغانستان می گوید در همه کشور در طول سال **12495** نفر بازداشت شدند که از جمله **7855** نفر محاکمه و محکوم شناخته شدند و متباقی **4640** نفر تا هنوز در انتظار محاکمه بسر میبرند. کمبود شدید قضات نیز وجود داشت. طور مثال در ولایت بامیان در سال **2007** در **3** ولسوالی قاضی وجود نداشت و درسه و سوالی در محاکم مامورین کمبود بود. مانع عمده دیگر عدم آگاهی محبوسین از حقوق شان در روشنایی قانون موقت جزا مصوبه **2004** بود. قانون جزا که فعالین حقوق بشر و متخصصین حقوقی از ان گزارش میداد در طول سال چندین بار باز نویسی و تصحیح شده است.

عفو عمومی

در فبروری **2007** هر دو مجلس شورای ملی متن لایحه را تسوید کرد که در صورت تصویب ان همه انانیکه طی **25** سال در جنگ ها دخیل بودند و در سال جاری نیز در ان دخیل بودند از تعقیب عدلی معاف اند. این لایحه هم چنان خواهان عدم انتقاد بر این افراد بود. لایحه های هر دو مجلس اجازه میدهد که بر ضد مرتکبین اقامه دعوی شود. انجو ها، کمیسیون مستقل حقوق بشر و تعداد زیادی از مردم این مسوده لایحه را تقبیح کردند و گفتند که این لایحه به ناقضین صریح حقوق بشر بشمول تعداد زیادی از اعضای شورای ملی معافیت خواهد بخشید. بر طبق قانون اساسی یک کمیته مشترک هر دو مجلس شورای ملی باید این اختلافات را رفع نماید. الی اخیر سال این کمیته تشکیل نگردید.

د: عدم موجودیت محاکمه علنی و عادلانه

قوانین خواهان قوه مستقل قضایی است اما در عمل قوه قضائیه با کمیود بودیجه و پرسونل مواجه بوده تحت نفوذ سیاسی قرار می گرفت و با فساد گسترده دست بگریبان بود. فشار مقامات حکومتی، رهبران محلی، خانواده های

متهمین، و افراد مرتبط به شور شهاو در عین زمان رشوت و فساد اداری بی طرفی قوه قضائیه را تهدید میکرد. محکمه اختصاصی ضد مواد مخدریک استثنا بود. سازمان های بین المللی هیچ شواهد از فساد ویا نفوذ سیاسی توسط مقامات ان محکمه را گزارش نداده است. در سایر محاکم عدالت به شکل نابرابر به اساس قوانین مختلط تدوین شده، قوانین شرعی و رواج های محلی تطبیق میگردد.

سیستم رسمی قضائی در مراکز شهرها که حاکمیت دولت محکم تر است نسبتاً قوی بوده و در مناطق اطراف که 75% نفوس افغانستان در آنجا زندگی میکند نسبتاً ضعیف بوده است. در سرتاسر مملکت موجودیت محاکم فعال، قوای پولیس و محابس اندک بود. قوه قضائیه نمیتوانست تا قانون ضخیم و بزرگ جدید و تعدیل شده را تطبیق کند. قلت پرسونل مسلکی کار محاکم را با مشکلات مواجه ساخته بود. شاروالی ها، مامورین ولایتی و قاضیان دارای تعلیمات اندک بود و معمولاً به اساس برداشت خود شان از قوانین اسلامی، دساتیر قبیلوی و رواجهای محلی قضاوت میکردند. قضاات و خانونالان با عدم دسترسی به قوانین و لوايح مواجه بودند.

محاکم قضائی عبارت از ستره محکمه، مرافعه و ابتدائی میشود. قاضیان به اساس پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور انتخاب میگردد. ستره محکمه مسئولیت کامل سیستم محاکم کشور را بدوش دارد. رئیس جمهور اعضای شورای عالی ستره محکمه را بعد از تأیید ولسی جرگه مقرر میکند. یک محکمه امنیت ملی تروریستان را محاکمه نمود و سایر قضایا را بررسی نمود اما در طرز کار ان معلومات مفصلی در دست نیست.

در سال 2005 رئیس جمهور طی فرمانی یک قانون ضد مخدرات را تصویب نمود که فعلاً حیثیت قانون را داشته و منتظر تایید و بازنگری شورای ملی است. این قانون یک محکمه جداگانه مرکزی سرتاسری مواد مخدر را تشکیل میدهد که میتواند مجرمین را در هر قسمت افغانستان محاکمه نماید و بهمین منظور یک واحد تحقیقاتی نیز یکجا با محکمه متذکره ایجاد شده است. در جریان سال این محکمه درای 30 سارنوال، 35 مستنطق، 7 قاضی محاکم ابتدایه و 7 قاضی محاکم استینافی میباشد بر طبق گزارش فعالین حقوق بشر جزاهای که توسط سیستم قضایی طالبان تعیین میشود شامل لت وکوب، بدار اویختن و سربریدن است.

در شهر های بزرگ عمدتاً محاکم به حل قضایای جنائی می پرداختند اما قضایای ملکی اکثراً توسط یک سیستم غیر رسمی حل میگردد. از انجاییکه سیستم رسمی حقوقی توسعه نیافته است در مناطق اطراف بزرگان قبیلوی و شوراهای محلی موضوعات منازعات ملکی و جنائی را خود فیصله میکنند که بر طبق ادعا ها آن ها بعضاً جزا های غیر مجازی ب مردم میدادند. بعضی تخمین ها می رساند که تقریباً 80% از قضایا به شورا ها ارجاع می شد که به حقوق تضمین شده اتباع در قانون اساسی پابند نبود و اغلباً از حقوق زنان و اقلیت ها تخطی میکنند. اما یک موسسه غیر دولتی در هرات گزارش داد که شورا اغلباً بازنان در حل منازعات مدنی چون طلاق و حبس روش عادلانه داشت.

طرز محاکمه

طرز کار محاکم با معیار های بین المللی و قبول شده برای یک محاکمه عادلانه مطابقت اندک داشت. اداره و تطبیق عدالت در مناطق مختلف کشور از هم فرق داشت. به اساس قانون همه اتباع حق دارند بیگناه پنداشته شوند. در عمل محاکم متهمین را در مجالسی محکوم میکرد که فقط چند دقیقه دوام میکرد. متهمین حق داشتند که در جریان محاکمه حاضر باشند و در مقابل فیصله استیناف طلبی کند اما از این حقوق همیشه استفاده نمی شد. جریان

محاکمه معمولاً در محضر عام صورت می‌گرفت اما از هیئت منصفه استفاده نمیشد. متهمین اجازه داشتند با یک وکیل مشورت کنند و در صورت موجودیت بودیجه به مصرف دولت برای خود وکیل مدافع بگیرند. ازین حق بصورت ناهماهنگ استفاده میشد. مکرراً به متهمین اجازه داده نمیشد که با شاهدان مقابله کند و یا از آنها سوال نمایند. یک مشکل دیگر عدم آگاهی اتباع از حقوق شان در قانون اساسی بود. متهمین و وکلای شان حق داشتند که قبل از محاکمه اسناد مربوط به دوسیه و شواهد فزینی مربوط به آن را تحت مطالعه قرار بدهند. اما موسسات غیردولتی گفتند که اکثراً اسناد محاکم غرض بررسی قبل از آغاز محاکمه وجود نداشت.

محکمه باید در ظرف دو ماه جریان سمع یک دوسیه را آغاز نماید. در جریان 20 روز بعد از فیصله محکمه ابتداییه باید درخواست مرافعه طلبی صورت گیرد و محکمه تمیز باید در ظرف دوماه تجدید نظر در مورد دوسیه را تکمیل نماید. هر مرافعه طلبی دومی باید در ظرف 30 روز بعد از تجدید نظر اولی صورت گیرد که بعد از آن دوسیه به ستره محکمه محول میگردد که ممکن الی پنج ماه را در برگیرد تا دوسیه تکمیل شود. در تعدادی زیادی از دوسیه ها محاکم این موعد ها را مراعات نمیکنند.

مطابق قانون شرعی اقارب قربانیان میتوانند قضیه جنایی را برضد متعرض مظنون تعقیب کند، قاضی میتواند به اقارب متذکره پیشنهاد غرامت کند و یا در قضایای قتل حکم اعدام مجرم را صادر کند که با توافق اعضای فامیل قربانی میتواند انرا تطبیق کند. هم چنان اگر اقارب قربانی فیصله کند که مجرم را معاف میکند قاضی باید چنین فیصله را ابلاغ کند.

در قضایای که حیثیت واضح قانونی ندارد و یا در قضایای که قاضی ها، خائوال ها و یا بزرگان آگاهی از قانون ندارند، محاکم و شوراهای غیررسمی به تطبیق قوانین مروجه می پرداخت در چنین موارد معمولاً در موارد زنان از تبعیض کار گرفته میشد. در این نوع محاکم فیصله های شامل است که از متهم خواسته شود تا در بدل جرمی به اقارب قربانیان دختر جوانی را به نکاح بدهد.

زندانی های سیاسی و توقیف شدگان

گزارشهای وجود داشت که تعدادی از رهبران قومی که بعضاً مربوط به حکومت اند بصورت انفرادی زندانی های داشتند اما تخمین های قابل اعتبار در مورد تعداد همچو زندانیان وجود نداشت.

پروسه قضائی ملکی و تغیرات

مردم بخاطر تخطی ها از حقوق بشری و قانونی شان به عدالت دسترسی اندکی داشتند و تعبیر های مختلف از نظریات مذهبی اکثراً حقوق مبتنی بر قانون اساسی و بشری را تحت شعاع قرار میداد. در مسایل مسلکی سیستم قضائی نسبت عدم موجودیت ظرفیت و فساد غیر مؤثر باقیماند. جنجال های زمین یکی از منازعات عمده ملکی بود که اکثراً توسط شورا ها و محاکم غیررسمی محلی حل میگردد.

و: دخالت عمدی در زندگی شخصی، فامیلی، خانه و یا نیابت

قانون همچو دخالت ها را ممنوع قرار داده است اما عملاً حکومت به این ممنوعیت توجه ننموده و قربانیان این جرم ها دارای کدام محافظت قانونی نبودند.

مامورین حکومت بدون داشتن اجازه قضا جبراً درخانه ها و محل کار مردم ملکی داخل میشدند. گزارشهای در مورد سرقت توسط قوای امنیتی هنگام حمله و تلاشی خانه ها وجود داشت. بخصوص قوای ایتلاف در ماه اپریل در کندهار گفتند که وقتی قوای داخلی مامور تلاشی خانه ها گردید بعضاً سرقت ها افزایش میافت. یوناما بنقل از مردم محل گزارش داد که اموال شان در جریان تلاشی خانه ها توسط افراد نظامی سرقت شدند. یوناما گزارش داد که در هنگام تلاشی خانه ها توسط نظامیان و قوای امنیتی روش با زنان با رواجهای محلی در تضاد بود که باعث خشم جوامع محلی گردید.

قانون استراق سمع را در موارد مشخص اجازه میدهد.

تمایل حکومت در مورد برسمیت شناختن حق ازدواج به اساس تابعیت، جنس و مذهب فرق میکرد. یک محکمه فامیلی میتوانست ازدواج میان یک زن یهودی یا عیسوی و یک مرد مسلمان را ثبت کند ولی از زوجین میخواهد که مراسم عقد اسلامی یا نکاح را بپذیرد. دختر هر مذهب دیگر باید قبل از نکاح با پسر مسلمانان به دین اسلام بگراید. محکمه همچنان نمیتوانست نکاح افغانهای را که ادعا کنند مسلمان نیستند عقد کند حتی اگر آنها در یک خانواده غیر مسلمان تولد شده باشند. در جریان سال چنین وقایعی ندرتا وجود داشت زیرا **99%** مردم مسلمان اند. گزارشهای وجود داشت که مامورین حکومت افرادی مخصوصاً زنان را بخاطر جرمی که سایر اعضای خانواده مرتکب شده اند گرفتار نموده و محکوم به مجازات کرده اند. در جنوب و شرق کشور طالبان و سائر عناصر ضد حکومت مکرراً مردم را مجبور می ساخت تا برای جنگجویان آن ها غذا و پناه گاه فراهم کند. طالبان هم چنان به چپاول مکاتب، دستگاه های رادیو و دفاتر حکومتی در سرتاسر کشور پرداختند.

ه: استفاده بی حد از قوه و سایر تخطی ها در منازعات داخلی

جنگ های جاری داخلی و ادامه استفاده بی حد از قوه موجب مرگ افراد ملکی، اختطاف ها، تشدد بر زندانیان، خسارات بر ملکیت ها و بی جا شدن مردم گردید.

قتل ها

کمبسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش داد در اواخر ماه اکتوبر وقتی پولیس ملی یک کاروان را بدرقه میکرد بمی کنار جاده انفجار نمود. بر طبق ادعا دو افسر پولیس از موتر خود خارج شده به اتشباری بلا تفریق پرداختند که در نتیجه یک پیر مرد ایستاده در محل بقتل رسید. فعالیت های دوامدار طالبان و القاعده، جنگ های داخلی میان جنگسالاران محلی و واقعات جنائی موجب قتل های غیر قانونی و تلفات زیاد به افراد ملکی گردید. ملیشا ها، خارجیان و کارمندان مؤسسات غیر دولتی را هدف قرار داده بقتل رساندند. بر طبق راپور یوناما در جریان سال قوای حکومتی **1160** فرد ملکی را بقتل رساند، قوای طرفدار حکومت **828** نفر ملکی را کشت و افراد نامعلوم موجب قتل **130** فرد ملکی گردید که به این ترتیب تعداد مجموعی تلفات افراد ملکی به **2118** نفر رسید. حملات انتحاری ملیشاها اندکی کاهش یافت طوریکه در سال گذشته تعداد حملات انتحاری به **138** رسید در حالیکه تعداد این حملات در سال **2007** به **143** حمله بالغ میشد. بر طبق معلومات یوناما حملات انتحاری و بم های کنار جاده که شورشیان بطور وسیعی از آن کار میگیرند موجب مرگ **725** فرد ملکی گردید که **34%** مجموع تلفات افراد ملکی در جریان سال را تشکیل میدهد. یوناما همچنان **271** واقعه اعدام فوری توسط طالبان و متحدین آنها را در جریان سال ثبت نمود. شورشیان مامورین ملی و حکومتی، کارمندان زن شامل در حکومت وسایر مقامات بلند رتبه را در جریان سال مورد حمله قرار دادند اما اکثر قربانیان را افراد ملکی تشکیل میدادند. حملات بر اهداف غیر نظامی (مامورین حکومتی، مردم ملکی، افراد مذهبی، متعلمین و معلمین) یک تهدید باقی ماند. تعداد این حملات در سال **2006** به **664** حمله در سال **2007** به **671** حمله و **910** حمله در سال گذشته بود. ایساف گزارش داد که **76%** حملات انتحاری سال گذشته بر ضد قوای امنیتی بین المللی و داخلی بود اما اکثر قربانیان انرا افراد ملکی تشکیل میداد.

در جریان سال شورشیان **15** مقام حکومتی بشمول والیان لوگر و زابل، قضای ارشد ضد مواد مخدرو عضو شورای ولایتی کندهار را هدف قرار داده اند. وزارت داخله گزارش داد که در جریان سال **883** نفر پولیس ملی کشته شده اند.

بتاریخ **14** جنوری در جریان یک حمله انتحاری بر هوتل سرینا در کابل **6** فرد ملکی کشته شدند. طالبان مسولیت این حمله را که مطبوعات انرا یک حمله خیلی منظم و مثال خوبی از تمایل طالبان برای هدف قرار دادن افراد ملکی خواند بدوش گرفت.

بتاریخ **17** فبروری یک بم بیش از **100** نفر را بشمول قومندان پولیس عبدالحکیم هنگامی کشت که آنها در خارج از شهر کندهار مصروف تماشای مسابقه سگ جنگی بودند.

بتاریخ **14** جولای پولیس راپور داد که طالبان **7** فرد ملکی را به اتهام کار با حکومت وسایر موسسات در ولایت زابل بقتل رساندند.

بتاریخ **16** اکتوبر طالبان شورشی **30** نفر را که ذریعه بس از ولایت کندهار میگذشتند کشتند. بر طبق گزارش مقامات محلی طالبان ادعا کردند که کشته شده گان عساکر بودند اما مقامات موجودیت هیچ عسکر را در سرویس ها انکار کرد.

بتاریخ **20** اکتوبر دو مرد موترسایکل سوار یک کار امدادی زن برتانوی را هنگامیکه در غرب شهر کابل عازم دفتر کارش بود بضرب گلوله بقتل رساند. بر طبق گزارشهای مطبوعاتی طالبان مسولیت حمله بر این خانم را بعهدہ گرفتند.

در جریان سال عناصر ضد حکومت به حملات خود بر علمای دینی طرفدار دولت ادامه دادند. طالبان حد اقل **10** عالم دین را بقتل رساند و در داخل مساجد و اماکن مذهبی اعمال زیاد خشونت امیز را مرتکب شدند. بر طبق گزارشهای مطبوعات یک بم گزار انتحاری بتاریخ **31** جنوری خود را در یک مسجد در ولایت هلمند منفجر ساخت که در نتیجه معاون والی هلمند و پنج تن دیگر بقتل رسیدند. بتاریخ **14** نوامبر طالبان یک امام دینی را چند روز بعد از آنکه وی هنگام تبلیغ حملات انتحاری را محکوم کرد در ولایت فراه بقتل رساندند. وزارت معارف اعلان کرد که تروریست ها و شورشیان در جریان سال **149** معلم و سایر کارمندان معارف و متعلمین را کشتند. مطبوعات گزارش داد که بتاریخ **14** می افراد مسلح ناشناس یک معلم را بعد از آن در کندز کشتند که وی صریحا حملات انتحاری را محکوم نمود. بتاریخ **9** جون افراد مسلح نامعلوم یک معلم را در ولایت ننگرهار مقتول و دخترش را مجروح ساخت. درمورد برخی ازین وقایع تحقیقات صورت گرفت اما تا اخیر سال نتایج ان معلوم نبود.

اختطاف ها

یوناما گزارش داد که در جریان **260** واقعه اختطاف صورت گرفت که حد اقل **40** واقعه ان منجر به قتل گردید اما عقیده بر آنست که تعداد واقعی اختطاف ها بمراتب بیشتر ازین ارقام است. اطاق تجارت بین المللی افغانستان گزارش داد که شورشیها و دیگران در جریان سه سال گذشته **173** تجار را اختطاف نموده اند. یوناما راپور داد که در جریان سال شورشیان و دیگران **141** کارمند امدادی را اختطاف کردند که دران **134** کارمند داخلی و **7** کارمند خارجی شامل بود. بر طبق معلومات یوناما شورشیان و جنایتکاران در جریان سال **38** کارمند امدادی را کشته و **70** کاروان را چپاول کرده اند. طالبان، ملیشها، رهبران قومی و شورشیان افراد قوای امنیتی، افراد ملکی و خبرنگاران را بخاطر اهداف سیاسی و منافع مالی اختطاف کردند. تعداد زیادی کشته شدند و لی تعدادی به این شرط رها شدند که از وظایف دولتی شان استعفی بدهند و به عناصر ضد حکومت بپیوندند و اگر خبر نگار باشند بر موضوعاتی گزارش ندهند که بروفق خواسته های اختطاف گران نباشد.

بتاریخ **18** اگست تلویزیون اریانا گزارش داد که **9** فرد مسلح یک دختر **9** ساله را در ولایت تخار اختطاف و مورد تجاوز جنسی قرار دادند. گزارش های مطبوعات ادعا میکرد که **4** تن از تجاوزگران افراد پولیس بودند. پولیس تخار وقوع واقعه را تایید کرد و گفت که **6** نفر را در ارتباط به واقعه دستگیر نمود.

بتاریخ **25** اگست افراد نامعلوم صالح محمد کوثر ریس یک رادیوی محلی طرفدار حکومت در ولایت پکتیکا را اختطاف نمودند. الی اخیر سال تحقیقات در مورد جریان داشت. بتاریخ **26** اگست حمله کننده گان نامعلوم یک کارمند امدادی جاپانی را در ولایت ننگرهار ربوده و بقتل رساند.

بتاریخ **20** اکتوبر اعضای یک باند همایون شاه اصفی یکی از اقارب مرحوم ظاهرشاه را ربودند و برای بیش از یک هفته او را حبس کردند. اختطافچیان مبلغ **5** میلیون دالر در بدل رهایی وی میخواستند و تهدید کردند که در صورت عدم قبول تقاضای شان انگلستان اصفی را خواهند برید. مامورین امنیتی **6** مظنون را در ارتباط قضیه دستگیر نمودند و الی اخیر سال تحقیقات ادامه داشت.

ماین ها

ماین های زمینی و پارچه منجر نشده موجب قتل و جرح گردیده اراضی زراعتی را محدود می ساخت و مانع بازگشت مهاجرین در مناطق ماین گذاری شده میگردد. مناطق شدیداً ماین گذاری شده ولایاتی اند که در نزدیکی سرحد با ایران و پاکستان قرار دارد. پروگرام ماین پاکي ملل متحد برای افغانستان گزارش داد که ماین ها و مواد منفجر نشده در هر ماه بطور اوسط **57** نفر را مقتول یا مجروح ساخت. انفجارات ماین در طی دو دهه گذشته **4.2** میلیون نفر را متاثر ساخت که مجموعاً **1.5** میلیون نفر تلفات داشت.

ملل متحد بکمک جامعه بین المللی تیم های کشف و خنثی سازی ماین ها را تربیه کرد که در سرتاسر کشور مصروف ماین پاکي بودند. ادارات ملل متحد و مؤسسات غیر دولتی پروگرام های متعددی را در سرتاسر کشور به هدف آگاهی زنان و اطفال از خطرات ماین ها براه انداختند. موسسه ماین پاکي هلو ترست مساحت **1.14** ملیارد فوت مربع را از وجود ماینها پاک کرد. برطبق گزارش اداره ماین پاکي ملل متحد الی اخیر سال در مساحت تقریباً **83.74** ملیارد فوت مربع تا هنوز ماین ها باقی بود.

در جریان سال گزارشاتی چندی وجود داشت که حکومت به قربانیان ملکی جنگها میان طالبان و حکومت جبران خساره پرداخته است.

خدمت نظامی بر اطفال

سن قانونی شمولیت در قوای عسکری **18** سالگی بود اما گزارشهای تایید نشده وجود داشت که افراد زیر سن **18** اسناد خود را جعل میکردند تا سن خود را خود را بزرگ نشان بدهد و بدینوسیله شامل قوای امنیتی شود که فرصت های زیاد و جدید کاری را مهیا ساخته بود. هیچ گزارشی در مورد جلب و جذب اجباری اطفال به عسکری وجود نداشت. اما کمیسیون مستقل حقوق بشر و اژانس خبری ملل متحد گزارش داد که پسران زیر سن **18** جلب میشدند و در بعضی موارد توسط پولیس ملی و ملیشاهای طرفدار حکومت مورد سوء استفاده جنسی قرار میگرفتند. بتاریخ **10** نوامبر شورای امنیت ملل متحد یک قضیه مفصلی را گزارش داد که در آن دو عسکر یک نوجوان **16** ساله را که با اسناد جعلی توسط اردوی ملی جذب شده بود مورد تجاوز جنسی قرار دادند.

هم چنان راپورهای وجود داشت که قوای طالبان از اطفال زیر سن **18** سالگی بعضاً در حملات انتحاری استفاده میکردند. هرچند بیشتر اطفال میان سنین **15** و **16** ساله بودند اما از اطفال الی **12** سال نیز بخاطر مقاصد نظامی استفاده شد. یوناما گزارش داد که طالبان با فریب، وعده پول و یا بزور اطفال را مجبور میساخت تا حملات انتحاری را انجام دهند.

بر طبق گزارشها جنگ سالاران و رهبران طالبان در سو استفاده از افراد جوان دخیل بوده اند. ماده 19 اصولنامه طالبان که در سال 2006 تجدید شد میگوید "مجاهدین اجازه ندارند که جوانان بی ریش را به جبهات جنگ و قرارگاههای خود جلب کنند." که این خود می رساند که سو استفاده جنسی قبلاً صورت گرفته است. در سال 2004 تحت پروگرام به ابتکار یونیسف حدود 8000 عسکر کوچک را که قبلاً استخدام شده بودند از صفوف اردو خارج ساختند. از سال 2004 بدینسو بیش از 15000 طفل جنگ زده در 28 ولایت از طریق پروگرام های برحالی مجدد یونیسف کمک شدند.

سایر تخطی های مربوط به جنگ

همچو سال پار اعضای مظنون طالبان بر عراده جات مربوط به مؤسسات غیر دولتی آتش کشودند و بردفاترشان حمله کردند. خشونت و بی ثباتی تلاشهای امدادی و بازسازی را متاثر ساخت. برطبق یک تحقیق که توسط دفتر مصونیت انجو ها صورت گرفت در 25 ولایت میان اول جنوری و 31 اگست جمعا 117 واقعه امنیتی برضد انجو ها و کارمندان امدادی صورت گرفت. موسسه بین المللی نجات که یک موسسه غیر دولتی جهانی است و برای مهاجرین کمک میکند بعدازان کار خود را برای 6 هفته بحالت تعلیق درآورد که افراد مسلح 4 تن از کارمندان شان را بتاریخ 13 اگست در ولایت لوگر کشتند. مؤسسات غیر دولتی گزارش دادند که شورشیان افراد متنفذ محلی و رهبران ملیشیا ها در بدل اجناس امدادی که ان ها به منطقه می اورند تقاضای رشوت میکردند. مساعی کمک رسانی نیز بخاطر مشکلات در انتقال اموال از راه زمین نسبت تهدیدهای شورشیان با محدودیت ها مواجه بود. بتاریخ 14 سپتمبریک بم گذار انتحاری سه کارمند ملل متحد را که جز یک کاروان طبی در کندهار بودند بقتل رساند. گزارشاتی وجود داشت که در کندهار قوای ضد حکومت بصورت فزاینده انانی را مورد حمله قرار می داد که کمک های خارجی را دریافت میکردند و به این ترتیب دهاتیان را وامیداشت که به امتناع از اخذ کمک های خارجی بپردازد. نسبت از دیاد خشونتها ملل متحد بیش از یک ثلث کشور را مناطق غیر قابل دسترسی می پنداشت.

همچو سال های اخیرطالبان بطور فزاینده شب نامه های تهدید امیز پخش میکردند و پیام های تلیفونی ارسال میکردند و تلاش میکردند مانع فعالیت های انکشافی شوند. مطبوعات گزارش داد که بتاریخ 26 جولای طالبان برطبق ادعا یک پل بزرگ را که بر شاهراه کابل کندهار قرار دارد منهدم نمودند. بتاریخ 29 جولای وزارت دفاع گزارش داد که طالبان سعی کردند تا یک دستگاه بزرگ تولید برق در شرق کابل را تخریب کند اما قوای ملی مانع ان شدند. ملیشا ها از زنان و اطفال بمثابه سپر جنگی استفاده کرده ان ها را مجبور می ساختند که در خط مقدم جبهه باقی بمانند و یاهم خود در مناطق مسکونی به آغاز جنگ می پرداختند. یک گزارش 8 سپتمبر سازمان دیدبان حقوق بشر می رساند که چگونه طالبان بمنظور حفظ قوای شان از حملات متقابل با قرار دادن قوای شان در قرای پرنفوس باعث از دیاد تلفات افراد ملکی توسط بمباران ها میگردد.

فصل دوم: احترام به ازادی های مدنی بشمول:

الف. ازادی بیان و مطبوعات

بر طبق قانون آزادی مطبوعات و بیان تامین است اما مثال های وجود داشت که طالبان، شورشیان و افراد حکومت ژورنالستان را تهدید میکردند تا گزارشات را تحت نفوذ خود داشته باشند. عده از ناظرین مطبوعات گزارش دادند که افراد نمیتوانستند حکومت را بصورت اشکار و خصوصی مورد انتقاد قرار دهند.

در سال **2007** اعضای پارلمان رای دادند که ملالی جويا یکی از همتایان شان را بخاطر مصاحبه تلویزیونی وی که در آن همتایان شان را مورد انتقاد قرار داده بود از عضویت در پارلمان الی اخیر دوره وی محروم سازند. عضویت وی الی اخیر سال معطل باقیماند. سایر اعضای پارلمان پالیسی های حکومت را بدون کدام عکس العمل مورد انتقاد قرار میدادند.

مطبوعات ازاد فعال بود و نظریات مختلف سیاسی را انعکاس میداد. در جریان سال حدود **650** نشریه چاپی وجود داشت، **55** رادیوی خصوصی، **10** اژانس خبری و **15** تلویزیون خصوصی وجود داشت. در همه کشور **150** چاپ خانه شخصی و **145** کمپنی تولیدی مطبوعاتی و فلمی وجود داشت. **2** تلویزیون بزرگ در کشور یکی تلویزیون طلوع بود که جز گروب موبای است و **60%** مارکیت تلویزیون را در اختیار دارد و دیگری تلویزیون اریانا است که **35%** مارکیت را در اختیار دارد.

حکومت حد اقل **35** نشریه چاپی و بهمین تعداد دستگاه رادیو در اختیار داشت. تحت قانون جدید مطبوعات که در ماه سپتمبر بتصویب پارلمان رسید به رادیو تلویزیون دولتی آزادی نسبی داد. در حالیکه یکعده ژورنالستان ازاد نویسنده گان به نشر مجلات و جراید می پرداختند اما توزیع ان اکثراً بکابل محدود بود و تعداد زیاد شان خود را سانسور میکردند. مطبوعات خارجی تحت قانون آزادی بیان فعالیت می کرد اما انها نیز با محدودیت های از قبیل عدم تبصره های منفی برضد اسلام و عدم نشر مطالبی که تهدید را به رئیس جمهور متوجه سازد مواجه بودند.

در جریان سال گروه های مختلف شورشیان، مقامات حکومتی و طالبان اعضای مطبوعات را مورد اذیت، تهدید و خشونت قرار دادند. بر طبق معلومات مطبوعات ازاد و ناظرین روش سرکوب گرانه حکومت و گروه های مسلح مانع فعالیت ازادانه مطبوعات شد. تلیفون های تهدید امیز و پیام ها برضد سازمان های مطبوعاتی یک امر عادی بود که بعضی از ان ها به خشونت های واقعی می انجامید. در اواخر تابستان چندین تن از کارمندان رادیو آزادی بخش محلی رادیوی اروپای ازاد بصورت مسلسل باتلیفون توسط کسانی تهدید شدند که خود را مربوط به طالبان میپنداشتند. در ماه اگست یک نطق زن در یک تلویزیون محلی بعد از ان ولایت مذکور را ترک کرد که بخاطر کارش نامه های تهدیدآمیزی دریافت نمود. مسئولین امنیت ملی خبرنگاران را بخاطر اظهارات ضد مقامات حکومتی بازداشت کرده اند. بر طبق راپور اداره مطبوعاتی نی مقامات حکومتی مسول حد اقل **23** واقعه از جمله **45** واقعه گزارش شده، تهدید، خشونت و یادستگیری خبرنگاران میان می **2007** و می **2008** است.

بر طبق معلومات منابع متعدد مطبوعات افراد خصوصی ایرانی در مطبوعات نفوذ فعال دارند و به مطبوعات میگویند که چه بنویسند و چه ننویسند. یکعده منابع مطبوعاتی میگویند نفوذ ایران در مطبوعات افغانی از **60** الی **70%** است و حد اقل **2** چینل تلویزیونی خصوصی در کابل بر طبق ادعا از طرف افراد شخصی ایرانی تمویل میشوند. بعضی از خبرنگاران گفتند سفارت ایران در کابل انهارا فراخواندند تا از نشر اخبار ضد ایران جلوگیری کنند. شایعاتی نیز وجود دارد که ایران به یکتعداد خبرنگاران در کابل و ولایات غربی معاش مخفی میدهد. هم چنان ادعا های وجود داشت که ایران با رشوت و ارعاب خبرنگاران در ولایات غربی افغانستان را وامیداشت تا اخبار ضد حکومت را افزایش داده و اخبار ضد ایران را کاهش دهند. منابع مطبوعاتی و تحلیلگران گفتند محتویات تعدادی زیادی از نشریه های چاپی و تلویزیون های خصوصی تمویل میشد و بنفع احزاب مختلف سیاسی، رهبران و جنگسالاران ترتیب میگردد.

بتاریخ **28** جولای امنیت ملی محمد نصیر فیاض میزبان و نطق برنامه "حقیقت" در تلویزیون اریانا را بازداشت نمودند. شورای ملی فوراً واکنش نشان داده و بانشر اعلامیه این عمل اداره امنیت ملی را محکوم و خواستار رهای وی شد. وی بعد از چند روز تحقیق ازاد شد و گفت که امنیت ملی بوی گفته است که کار در مطبوعات را ترک

کند. هرچند برنامه به نشر خود ادامه داد اما فیاض به میزبانی ان برنگشت و برطبق منابع مطبوعاتی او در پی پناهنده گی در کدام کشور خارجی است.

در سال **2006** مقامات لوی سارنوالی یک طنز نویس خلیل نرمگوی را بعدا ازان دستگیر نمودند که او طنزی تحت عنوان "ریس جمهور کیست -- کرزی یا فاروق وردک؟ و طی ان نفوذ وزیر امور پارلمانی انوقت کرزی را بیاد انتقاد گرفت. نرمگوی بعد از چندروز رسماً معذرت خواست و در نتیجه اوبعد از **10** روز حبس ازطرف مقامات رها گردید. بتاريخ **20** جون مقامات امنیت ملی نرمگوی را بخاطر عین قضیه دوباره دستگیر نمود. بعد از جلسه قضاییه عقب دروازه های بسته مقامات نرمگوی را بتاريخ **10** جولای ازاد نمودند.

در اکتوبر **2007** پولیس سید پرویز کام بخش را که محصل پوهنتون بلخ و خبرنگار روزنامه جهان نو است بخاطری دستگیر نمود که وی معلوماتی را در مورد نقش زن در جوامع اسلامی از انترنت اخذ و توزیع کرده بود. بتاريخ **22** جنوری محکمه ابتداییه بلخ کامبخش را بجرم "توهین به پیامبر اکرم" بمرگ محکوم نمود. کامبخش مرافعه طلب شد و ستره محکمه دوسیه را به یکی از محاکم تمیز در کابل محول نمود. بتاريخ **21** اکتوبر محکمه تمیز اعدام کامبخش را به **20** سال حبس تخفیف داد. کامبخش بار دیگر خواهان تجدید نظر از ستره محکمه شد ولی وی تا اخرسال در حبس باقیماند.

شورای ملی در ماه سپتمبر قانون مطبوعات را تصویب نمود که حاوی تعدادی محدودیت ها بود. باساس ماده **45** این قانون اعمال اتی ممنوع است: کار و موادی که مخالف اساسات اسلام باشد، اعمال و موادی مخالف سایر ادیان و مذاهب باشد. اعمال و موادی که به اشخاص حقیقی و حکمی توهین و ضرر پنداشته شود، مواد و اعمالیکه به اشخاص حقیقی و یا حکمی افترا امیز باشد و ممکن به شخصیت و یا اعتباروی صدمه برساند، اعمال و موادی که به ثبات، امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور صدمه برساند، کار های جعلی ادبی، مواد و گزارشهای که افکار عامه را مغشوش سازد، تبلیغ به دین بغیر از اسلام، نشر هویت و عکسهای قربانیان تجاوز جنسی بنحوی که به حیثیت اجتماعی انها زیان برساند و نشر مضامین و یا موضوعاتی که سلامت جسمی، روحی، اخلاقی و رفاه مردم مخصوصاً اطفال و کاهلان صدمه برساند.

بر طبق قانون جدید مطبوعات نشریه های چاپی، رسانه های برقی و چاپ خانه های که جدیداً تاسیس میشوند باید از وزارت اطلاعات و فرهنگ جواز فعالیت اخذ نمایند. نگرانی ها در جامعه مطبوعاتی وجود داشت که قانون جدید مطبوعات شاید محدودیت های زیادی را بر محتویات مطبوعات وضع نماید و شاید وضع را طوری عیار سازد که تهدید همه جانبه حکومت و خود سانسوری را بوجود آورد. حکومت امور مطبوعات را بدقت تنظیم میکرد و سرمایه گذاری در عرصه مطبوعات را محدود ساخته بود.

در جریان سال وزارت اطلاعات و فرهنگ و یکعده والیان در حدود مختلف کنترول خود را بر متن های خبری اعمال می داشتند. مقامات حزبی در بعضی از مناطق افغانستان مطبوعات را شدیداً تحت کنترول قرار داده بود. ناظرین شاهد کنترول بیشتر در شهر های بزرگ چون مزار شریف، کندهار، ننگرهار و هرات بودند. خبرنگاران مرد اجازه نداشتند که با زنان بخاطر گزارش خود مصاحبه کنند.

خبرنگاران گفتند تعداد از همتایان شان سانسور خودی مینمودند و از پرسشهای تعقیبی از مقامات دولتی اجتناب میکردند. اعضای مطبوعات گزارش دادند که انها نسبت محدودیت های وضع شده از جانب دولت با قوماندانان طالبان و رهبران شان مصاحبه ننمودند. ناظرین امور مطبوعاتی از سانسور خودی نیز خبر دادند مخصوصاً وقتی که اهنگ ها را نشر میکرد قسمتی از بدن برهنه هنرمندان اناث را نشان نمی داد.

وزارت اطلاعات و فرهنگ به چهار تلویزیون خصوصی امر کرد تا نشر درامه های هندی را الی **15** اپریل منع کنند. در ابتدا چند تلویزیون این تحریم را پذیرفت اما در اخیر سال سه از جمله **4** تلویزیون به نشر درامه های متذکره ادامه میداد. یک تلویزیون دیگر بنام طلوع با شورای علما به توافق رسید که برطبق ان طلوع میتواند به نشر درامه های هندی بپردازد مشروط برینکه طلوع وقت مشخصی را جهت نشر برنامه های دینی نیز اختصاص دهد.

پروژه مشکل اخذ جواز فعالیت کار چاپخانه ها را محدود ساخته بود. فعالین غیرحکومتی نیز در کارهای ژورنالیستان مداخله میکردند. هم چنان ادعا های وجود داشت که ایران با رشوت و ارباب خبرنگاران در ولایات غربی افغانستان را و امیداشت تا اخبار ضد حکومت را افزایش داده و اخبار ضد ایران را کاهش دهند.

در جریان سال حد اقل دو خبرنگار کشته شدند. بتاريخ 8 جون جسد عبدالصمد روحانی خبرنگار بی بی سی در هلمند چند روز بعد از آنکه توسط شورشیان ربوده شد در یافت گردید. هر چند حکومت ادعا کرد که طالبان مسول قتل وی است اما قاری یوسف احمدی یک سخنگوی طالبان دست داشتن طالبان در قتل وی را انکار کرد. یک خبرنگار نارویژی در جمله 8 قربانی حمله انتحاری 15 جنوری بر هوتل سرینا بود. در ماه اپریل 2007 طالبان خبرنگار افغان نقشبندی را در ولایت هلمند سربریدند. وی یک ماه قبل با خبرنگار ایتالوی دانیل ماستروگیاکومو و درایور سید اغا اختطاف شده بود. بعد از یک درخواست خاص توسط صدراعظم ایتالیا به ریس جمهور کرزی ماستروگیاکومو بتاريخ 19 مارچ در بدل رهایی زندانی های طالبان ازاد شد. در ماه جون 2007 یک خبرنگار زن تلویزیون شمشاد شکبیا سانگه اماج بقتل رسید. مقامات دو نفر هر یک ارش خیرزاد و پدر اماج را به این اتهام دستگیر کردند. یک محکمه خیرزاد را به 6 سال حبس محکوم نمود اما بعدا او رها شد. محکمه پدر اماج را رها نمود اما او کشور را ترک گفت. در ماه جون ذکیه ذکی ریس رادیو صلح در ولایت پروان کشته شد. ذکیه همواره جنگ سالاران محلی را مورد انتقاد قرار میداد و چند بار تهدید شده بود. مقامات 6 نفر را به اتهام این جرم دستگیر نمود اما بالاخره بعد از تحقیقات ابتدایی همه رها شدند. الی اخیر سال کدام انکشاف جدیدی در زمینه وجود نداشت.

تعداد زیادی از خبرنگاران گفتند که طالبان آنها را تهدید میکنند که اگر از سایت انترنتی آنها اخبارشان را نشر مجدد نکنند و یا اخبارشان بنفع حکومت باشد طالبان به آنها اسیب خواهند رساند.

ریس اتحادیه ازاد خبرنگاران گزارش داد که در جریان سال در هر هفته چندین بار توسط اعضای احزاب سیاسی بنیادگرا با ارسال پیام های تلفونی تهدید شده است تا از حمایت از ازادی مطبوعات دست بردارد.

ازادی استفاده از انترنت

هیچ محدودیت از طرف حکومت بر استفاده از انترنت، یا کدام نظارت حکومت بر ارسال ای میل و یا اطاقهای چتنگ انترنت وجود نداشت. افراد و گروه ها میتوانند از طریق انترنت و ای میل نظریات صلح امیز خویش را تبادل کنند. اما در قضیه پرویز کامبخش حکومت از محدودیت بر نشر مطبوعات گرفت و وی را بخاطر اخذ معلومات از انترنت دستگیر کردند. دسترسی به انترنت به اکثریت مردم وجود نداشت و دانش و داشتن کمپیوتر محدود بود.

ازادی های علمی و محافل فرهنگی

با تقرر مسولین پوهنتون ، سانسور و در مواردیکه غیر اسلامی جلوه میکرد وضع محدودیت ها بر محتویات نصاب ، حکومت آزادی های علمی را محدود ساخته بود . رسانه ها گزارش دادند که وزارت اطلاعات و فرهنگ نمایش یکتعداد فلم های مشخص به شمول فلم " گدی پران باز " را ممنوع قرار داده است .

اعضای پارلمان لایحه را تسوید کردند و سعی نمودند تا آن را به پارلمان پیشکش کنند که در آن فلم های زشت ، رقص زنان ، موسیقی بلند در محافل و پوشیدن لباس کوتاه منع قرار داده میشد . این لایحه پیشنهادی هم چنان یک عده پروگرام های تربیوی برای زنان مثلا تعلیم رقص به زنان را منع قرار میداد . الی اخیر سال شورای ملی در مورد کدام اقدام مزیدی به عمل نیآورد .

ب- آزادی اجتماعات صلح آمیز و تشکیل اتحادیه ها یا احزاب :

قانون اساسی افغانستان تشکیل اجتماعات و اتحادیه ها/ احزاب را اجازه می دهد اما در عمل وضع امنیتی و در بعضی موارد مقامات رسمی محلی استفاده از این حق را محدود ساخته اند . افزایش فعالیت های طالبان و سایر گروه های ضد حکومت مخصوصا در شرق و جنوب افغانستان ادارات ملل متحد و سازمان های غیر حکومتی را مجبور ساخته است تا فعالیت های عامه را لغو و یا معطل سازند .

آزادی اجتماع :

عدم موجودیت امنیت فیزیکی ، مداخله مقامات محلی و قوای امنیتی آزادی اجتماعات را در آن مناطق کشور محدود ساخته است که از وضع امنیتی خوبی برخوردار نیست . در سایر مناطق تظاهرات بدون مداخله حکومت صورت می گرفت . بتاريخ دوم مارچ حدود یک هزار نفر در شهر مزار شریف بر ضد یک کارتون جنجال بر انگیز حضرت محمد ص که توسط یک نشریه دینارکی نشر شده بود و نیز پلان های نشر یک فلم در مورد اسلام توسط یک سیاستمدار راست گرای هالندی به اعتراض پرداختند . بتاريخ 9 مارچ هزاران نفر در هرات بر ضد کارتون دینارکی تظاهرات کردند . گزارشات مطبوعات حکومتی حاکی از حمایت مقامات محلی حکومتی از تظاهر کننده گان بود . پولیس امنیت تظاهرات را تامین نمود اما در تظاهرات مداخله نمود . بتاريخ 23 می پولیس ملی در ولایت غور دو فرد ملکی را مقتول و هفت نفر دیگر را در جریان یک اجتماع اعتراض آمیز مجروح ساخت . در جریان سال در مورد قتل 10 تظاهر کننده توسط پولیس در ولایت جوزجان که در ماه می 2007 صورت گرفت کدام انکشاف تازه صورت نگرفت .

آزادی تشکیل اتحادیه یا احزاب :

قانون از احزاب سیاسی می خواهد تا خود را نزد وزارت عدلیه ثبت نماید و از آن ها می خواهد که اهداف شان در مطابقت با اسلام باشد . تشکیل احزاب بر اساس قوم ، زبان ، مذهب و یا دین ممنوع بود . الی اخیر سال حدود 100 حزب سیاسی ثبت شده موجود بود . بصورت عموم احزاب میتوانند در سراسر کشور فعالیت های خود را بدون کدام مخالفت و یا ممانعت براه اندازند ولی در مناطقی که تشنج ناشی از فعالیت های عناصر حکومتی وضع عمومی امنیتی را متاثر ساخته بود ، این فعالیت ها آزادانه صورت نمی گرفت .

آزادی مذهبی :

قانون اساسی میگوید اسلام " دین رسمی دولت " است اما به غیر مسلمانان اجازه میدهد تا مراسم مذهبی خویش را در حدودیکه توسط قانون تعیین شده و هدف آن تامین نظم عامه و آرامش است ، اجرا نمایند . در عمل به این حق احترام نمیشد . قانون اساسی هم چنان میگوید هیچ قانون نمیتواند مخالف معتقدات و احکام اسلام باشد . در مواردیکه قانون اساسی و قانون جزا صراحت ندارد همچو تغیر دین و توهین دین ، محکمه موضوعات را به شریعت راجع میسازد . محاکم فامیلی بر اساس یک قانون مدنی مبتنی بر مذهب سنی عمل میکند بدون در نظر داشت اینکه جوانب دخیل در قضیه شیعه باشد و یا سنی . قانون مدنی بر غیر مسلمانان نیز قابل تطبیق است .

گروه های مذهبی مکلف نیستند تا اجازه بگیرند و یا خویش را ثبت نمایند و حکومت همه اتباع متولد در کشور را مسلمان می پندارد . در عمل غیر مسلمان ها با اذیت و تعصب اجتماعی مواجه بودند بنا مراسم مذهبی خود را محتاطانه انجام میدادند . بر طبق قوانین اسلام عدول از دین اسلام با مجازات مرگ مواجه میشود . در سال های اخیر عملا این مجازات بر کسی تطبیق نشده است . در ماه می 2007 اداره افتا و احتساب ستره محکمه در مورد دین بهایی حکم صادر نمود که به اساس آن دین بهایی نوعی از توهین به اسلام تلقی گردید . حکم هم چنان همه مسلمانان گرویده به بهائیت را مرتد دانسته و همه پیروان دین بهایی را کافر خواند .

در نوامبر 2007 شورای سرتاسری علما اعلامیه را صادر کرد که در آن خواهان اعتدال در آزادی بیان و مطبوعات گردید و افراد را ترغیب نمود تا کاری نکنند که توهین به رسوم محلی و یا ارزش های مذهبی تلقی گردد .

بتاریخ 11 سپتمبر یک محکمه در کابل یک ژورنالیست احمد غوث زلمی و ملا قاری مشتاق را بخاطری به 20 سال حبس محکوم کرد که بر اساس ادعا ها ترجمه ناقص دری قرآن را نشر نموده بودند و نیز متن عربی آن بخاطر مقایسه موجود نبود . زلمی و مشتاق به محکمه دیوان امنیت عامه کابل مرافعه طلب شدند . الی اخیر سال دوسیه جریان داشت . تظاهراتی بخاطر مجازات غوث زلمی در شهر های مختلف برگزار گردید که در آن جمله اجتماعی در نوامبر 2007 در جلال آباد دایر شد که بر طبق گزارشها در آن حدود هزار محصل پوهنتون اشتراک ورزیده و خواهان مجازات مرگ برای غوث زلمی شدند . نسبت فشار های اجتماعی عیسوی ها مجبور بودند که مخفی بمانند ، دین خود را آشکارا عبادت نکنند و هویت خود را آشکار ن سازند . در جریان سال گزارشات متفرق اذیت و تهدید بر ضد عیسویان وجود داشت . فقط یک کلیسای معلوم در کشور وجود داشت که در منطقه دیپلوماتیک موقعیت دارد . اتباع محلی که میخواهند دین عیسوی خویش را عبادت کنند در محلات خود به عبادت می پرداختند زیرا در آن کلیسا اجازه ورود نداشتند .

اعضای حکومت خواهان اعدام گرویده گان به عیسویت گردیدند. نصاب مکاتب عامه همچو سابق شامل متن های اسلام بود و هیچ مضمون ادیان دیگر در آن وجود نداشت. غیر مسلمانان مجبور نبودند که اسلام را مطالعه کنند و محدودیتی بر تدریس مذهبی والدین برای اطفال وجود نداشت. بخاطر اجتناب از اذیت ها و به منظور ارائه تعلیمات مذهبی و فرهنگی به جوامع خود، اقلیت های مذهبی بومی چون سک ها مکاتب خصوصی خویش را فعال ساخته اند. در جولای 2007 وزارت معارف یک مکتب خاص را برای اطفال هندو و سکها در غزنی تاسیس کرد. هیچ قانونی وجود نداشت که دعوت به دین دیگر را منع کند اما مقامات حکومتی خروج از دین را مغایر معتقدات اسلامی دانسته و مقامات توهین بدین اسلام و خروج از آن را به اساس شریعت قابل مجازات مرگ میدانستند. خارجیان که مردم را به دین دیگر دعوت میکردند دستگیر و بعضا از کشور اخراج گردیدند. حکومت پوشیدن چادری بر زنان را اجباری نساخته است. اما تعدادی از زنان برضایت خود هنوز هم چادری میپوشند و تعدادی زیادی از زنان بخاطر فشار خانواده گی و اجتماعی به پوشیدن چادری ادامه میدادند. وقایعی از این قبیل که مقامات زنان را مجبور ساخته باشند تا ظاهر خویش را مطابق تعبیر سخت گیرانه اسلام عیار سازند، صورت نگرفته است. در جریان سال عناصر ضد حکومت حملات شان را بر رهبران مذهبی طرفدار حکومت ادامه دادند زیرا آن رهبران مذهبی از حکومت حمایت میکردند و یا هم اعمال سازمان های تروریستی را مغایر با اصول اسلامی میدانستند. بر طبق گزارشهای مطبوعات بتاريخ 12 مارچ طالبان مسلح مولوی عبدالله را که یک عالم مذهبی و مدرس یک مدرسه دینی بود در ولایت نیمروز به قتل رساندند. عناصر ضد حکومت دو امام مسجد را به قتل رساندند و در سال 2007 تعداد امانان مقتول به 11 تن میرسید. این حملات بیش از 20 تن از مقامات مذهبی را نیز مجروح ساخت که این رقم در سال 2007 بیش از 30 نفر بود.

تبعض و سو استفاده اجتماعی:

از آنجاییکه نماینده گی شیعه ها در حکومت افزایش یافته است، خصومت های سنی ها بر ضد آنها نیز کاهش یافته است. اما تبعض اجتماعی بر ضد شیعه های هزاره هنوز وجود داشت. در کشور حدود 500 سک و هندو وجود داشت. هر چند به این جوامع اجازه داده میشد که دین خود را آشکارا عبادت کنند اما بر طبق گزارشها آنها با تبعض های چون تهدید ها، عدم دسترسی به وظایف حکومتی و تعرضات لفظی و فیزیکی در اماکن عامه مواجه بودند. هر چند نماینده گان جامعه هندو ها و سکها در منازعات ارضی نگرانی داشتند اما آنها معمولا از ادامه ادعای اعاده ملکیت در محاکم بخاطر هراس از عکس العمل اجتناب میکردند مخصوصا در صورتیکه ملکیت شان در تصرف رهبران قدرتمند محلی قرار میداشت. حکومت قطعه زمینی را در کابل در اختیار سکها قرار داده است تا مراسم تدفین خود را در آنجا انجام بدهند. غیر مسلمانان در مکاتب با تبعض مواجه بودند. به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارشهایی میرسید که اطفال هندو و سکها از شامل شدن در بعضی مکاتب منع شدند و تعدادی دیگری از اطفال هندو و سکها بخاطر اذیت معلمین و متعلمین از رفتن به مکتب ابا ورزیدند. هندو ها و سکها میکانیزمی برای حل مشکلات شان داشتند که یکی از آنها محکمه اختصاصی منازعات زمین و ملکیت ها بود اما در عمل این گروه خود را غیر محفوظ احساس میکرد. هر چند هندو ها گزارش دادند که توسط همسایه ها اذیت میشوند اما هیچ گزارشی مبنی بر تبعض حکومت بر ضد هندو ها وجود نداشت. هیچ گزارشی اعمال ضد یهودی در کشور وجود نداشت. فقط یک یهودی شناخته شده در کشور زنده گی میکرد که محافظ عبادتگاه یهودیان یا سینا گانگس در کابل بود.

بخاطر معلومات بیشتر به گزارش سال 2008 آزادی مذهبی جهانی در آدرس www.state.gov/g/dri/irf/rpt مراجعه شود.

د - آزادی نقل و حرکت، بیجا شده گان داخلی، محافظت مهاجرین و مردم بدون تابعیت.

قانون اجازه سفر به داخل کشور، سفر های خارجی، مهاجرت و اسکان مجدد را میدهد اما قوانین مشخصی آزادی نقل و حرکت اتباع را محدود ساخته بود و حکومت نیز آزادی سفر مردم را بخاطر ملحوظات امنیتی محدود ساخته بود. بزرگترین محدودیت بر مسافرت اتباع در بعضی مناطق کشور عدم موجودیت امنیت بود. در مناطق زیادی تشنج شورشیان، سرقت ها و ماین های ضد پرسونل سفر ها را مخصوصا از طرف شب خیلی خطرناک ساخته بود. حکومت با اداره کمیشنری عالی سازمان ملل متحد برای مهاجرین و سایر سازمان های بشری در تحفظ و مساعدت به بیجا شده گان داخلی، مهاجرین، عودت کننده گان، پناه جویان، مردم بدون تابعیت و سایر مردم که در وضعیت مشابه قرار داشت، همکاری میکرد. در سال 2007 شورای ملی قانون پاسپورت را تعدیل کرد که اکنون زنان میتوانند بدون اجازه اقارب مردشان بخاطر اخذ پاسپورت درخواست کنند. با وجود آن در بعضی مناطق کشور رواجهای محلی و یا دساتیر به زنان اجازه نمیداد که بدون همراهی اقارب مرد از خانه خارج گردند.

دریوران تکسی، لاری ها و سرویس های مسافر بری گفتند قوای امنیتی و ملیشه های مسلح پسته های غیر قانونی تلاشی را افزاز کرده از انها به زور پول و اجناس شان را میگیرند. تعداد این پسته ها شب هنگام مخصوصا در ولایات سرحدی افزایش میافت. اهالی محل گزارش دادند که باید به پولیس ملی و پولیس سرحدی در پسته های رسمی تلاشی و نقطه عبوری مرزی خیبر میان جلال آباد و پاکستان رشوت بیردازند. طالبان بر اهالی مناطقی که بر آنها تسلط دارند مخصوصا در مناطق جنوب شرق قیود شبگردی را وضع نموده اند.

در جولای سال 2007 وزارت داخله امریه صادر کرد که طی آن اطلاع داده شده بود که کارمندان امداد خارجی باید در مورد تحرکات شبانه خود در خارج از کابل به انها اطلاع دهند. وزارت داخله اذعان داشت که این پالیسی به حکومت کمک کرد تا به خارجیان کمک نماید و در حالات عاجل آنها را دریافت کند. این پالیسی تا آخر سال ادامه داشت.

در ماه سپتمبر اعضای شورای ملی وزارت های دفاع و مالیه را به فساد در مورد اجرای پاسپورت متهم ساختند. الی اخیر سال هیچ نتیجه این تحقیقات معلوم نشد. هزاره ها اطلاع دادند بعضی اوقات هنگام عبور از سرحد از آنها رشوت بیشتری اخذ میگردد در حالیکه پشتون ها از آنجا رایگان عبور میکنند.

قانون تبعید اجباری را منع میکند و بصورت عموم حکومت به این عمل مبادرت نمیورزید. قرار گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان آن زنان مسکونه ایران که به افغانستان اخراج شده اند تا زمانی در قید حکومت به سر میبرند که خانواده هایشان آنها را شناسایی نموده و یا تابعیت شان را تصدیق کنند.

بیجا شده گان داخلی :

مقامات تخمین کردند که الی اخیر سال در کشور حدود بیش از 200 هزار بیجا شده داخلی وجود داشت. اکثریت آنها از جمله بیش از یک میلیون باشندده محلی بودند که در نتیجه خشکسالی های 1995، بی امنیتی، خشکسالی 2002، تعرض به حقوق بشری شان، تصادفات قومی ناشی از منازعات ارضی و ملکیت در سال های 2003 و 2004 از خانه ها و مناطق اصلی شان بیجا شده اند. این افراد در شرایط کمپ گونه زنده گی میکردند. بیشتر آنها در جنوب زنده گی میکنند اما به اساس تنظیم رسمی حکومتی در مناطق رهائشی که در دامنه های شهر های بزرگ چون کابل، هرات و جلال آباد نیز زنده گی میکنند.

مقامات تخمین کردند که در جریان سال حدود 44600 نفر جدیدا بیجا شده اند که در آن جمله حدود 10 هزار نفر نسبت خرابی اوضاع امنیتی ناشی از خشونت ها در مناطق اصلی شان، حدود 6600 نفر که جدیدا از خشکسالی متأثر شده اند و بیش از 23 هزار نفر جدیدا از پاکستان عودت نموده اند اما نتوانسته اند به مناطق اصلی شان برگردند، بنا "موقتا" در اماکن رهائشی کمپ گونه مسکون گردیده اند، اکثریت این افراد باشندده گان اصلی جنوب (کندهار، هلمند، ارزگان و زابل) و از باشندده گان غرب (هرات و بادغیس) اند. حکومت های محلی به آنها محل سکونت را آماده ساخته و در بعضی موارد کمک های امداد مواد غذایی به بیجا شده گان ناشی از خشونت ها توسط کمیسیون های ولایتی حالت اضطرار مهیا شد که در ترکیب آن وزارت احیا و انکشاف دهات، هلال احمر افغانی، کمیشنری عالی سازمان ملل متحد برای مهاجرین، هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان یا یوناما، سازمان بین المللی مهاجرت و دفتر امداد ملل متحد برای امداد اطفال یا یونسف شامل است. یوناما گزارش داد محدودیت های ناشی از بی امنیتی دسترسی به تعداد زیادی از بیجا شده گان را مشکل ساخته و رساندن کمک به آنها را با دشواری مواجه ساخته است.

در ماه اپریل حکومت کمپانی را آغاز کرد که در آن حدود 200 هزار بیجا شده داخلی از سه کمپ بزرگ در کندهار، هلمند و هرات تشویق میشدند تا به مناطق اصلی شان برگردند. وزارت مهاجرین و عودت کننده گان وعده نمود که به آنانیکه در دو ماه اول کمپاین به مناطق شان برگردند کمک های غذایی و ترانسپورتی میکند. کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین کمک های خیمه، ترانسپورت و مواد غذایی را تهیه نمود. تعداد اندکی از بیجا شده گان این درخواست را پذیرفتند اما بنابر نگرانی های امنیتی و اقتصادی به مناطق شان عودت ننمودند. یک مقام وزارت صحت عامه گفت بنابر نگرانی های مداوم امنیتی آنها کارمندان صحتی را به این کمپ نخواهند فرستاد. در یک مورد در سال 2007 کمک های عاجلی که به یک گروه بیجا شده گان توسط تیم بازسازی ولایتی یا پی آر تی در ولایت کندهار توزیع شد به مجردی که تیم بازسازی منطقه را ترک کرد مواد امدادی از طرف عناصر ضد حکومت ضبط گردید. این بیجا شده گان در منطقه قرار داشتند که گروه های امداد به آنها دسترسی اندکی و یا هم هیچ دسترسی نداشتند. ملل متحد گزارش داد که اطفال خرد سال بیجا شده در ولایات هلمند و کندهار در جریان سال به صفوف افراد مسلح کشانده شده اند.

از سال 2002 به این سو نماینده گی های ولایتی وزارت مهاجرین و عودت کننده گان و کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین به حدود 489 هزار نفر کمک نمودند تا به مناطق اصلی شان عمدتا "در شمال کشور برگردند. حدود 450 هزار مهاجر با امکانات خودی بدون امداد عودت نمودند. در ماه جون تقریبا 7 هزار خانواده از خانه هایشان در ولسوالی ارغنداب کندهار نسبت عملیات نظامی در منطقه فرار کردند. هم چنان در ماه جون جنگ ها در بامیان بین هزاره ها و

کوچی ها باعث بیجا شدن 7 هزار خانواده گردید که عده به کابل و تعدادی به سایر مناطق مرتفع مرکزی نقل مکان نمودند .
الی اخیر سال اکثریت این بیجا شده گان به دهات اصلی شان برگشتند . در ماه جولای نسبت تصادمات میان عناصر صد
حکومتی و سایر اهالی 150 خانواده از ولسوالی قیصار ولایت فاریاب متواری شده منازل شان را ترک نمودند .

حفاظت از مهاجرین :

قانون اساسی افغانستان میگوید امور مربوط به پناهنده گی توسط قانون تنظیم میشود و حکومت کنوانسیون 1951 در مورد
وضعیت مهاجرین و پروتوکول مربوط 1967 آن را تأیید کرده است .

اما در کشور هیچ قانونی وجود ندارد که مطابق به قانون اساسی و یا کنوانسیون 1951 و پروتوکول 1967 اعطای حیثیت
پناهنده گی و یا مهاجرت را تضمین کند . حکومت سیستمی را ایجاد نکرده است که برای مهاجرین تحفظ فراهم نماید . هر
چند حکومت رسماً به کسی حیثیت مهاجر و یا پناهنده را اعطا نمیکند ، در عمل حکومت مهاجرین را محافظت کرده و آنها
را به کشوری اخراج نکرده است که زنده گی و یا آزادی های شان در آنجا در خطر باشد . حکومت موجودیت کمیشنی
عالی ملل متحد برای مهاجرین را در کشور پذیرفته و صلاحیت کمیشنی متذکره را در معامله با مهاجرت و پناهنده گی به
رسمیت شناخته است . کمیشنی عالی سازمان ملل متحد برای مهاجرین نامه های را به افراد صادر کرده است که حیثیت
مهاجرت و یا پناهنده گی آنها را تأیید کرده است . به همین ترتیب ستره محکمه مهاجرین را همچو گرویده گان به اسلام به
اساس شریعت پذیرفته است . بر همین اساس مقامات کمیشنی عالی ملل متحد برای مهاجرین و حکومت افغانستان به
مهاجرین عراق ، ایران و دیگر کشور ها کمک های حقوقی و مساعدت های مادی فراهم نموده است .

از ماه آگست الی اکتوبر حدود 4 هزار خانواده از منطقه قبایلی باجور به ولایت کنر افغانستان فرار کرده اند . عده بی در
نتیجه عملیات نظامی حکومت پاکستان بر ضد شورشیان فرار کردند و تعدادی بعد از آن منطقه را ترک کردند که ولسوال
باجور به همه افغانهای ساکن در آنجا امر کرد که منطقه را ترک گویند . حکومت ایالتی کنر تخمین کرد که ثلث آنانیکه
سرحد را به طرف افغانستان عبور کردند افغانها بوده و بقیه اتباع پاکستان بودند . بیشتر این افراد در خانواده های اقارب
شان پناه جستند . کشور به عرضه خدمات به مهاجرین بازگشت کننده خود تمرکز داشت .

از سال 2002 به این سو بیش از 5 میلیون مهاجر به صورت داوطلبانه به کشور باز گشته اند که بیش از 4,3 میلیون شان
از کمک های کمیشنی عالی سازمان ملل متحد برای مهاجرین مستقید گردیدند . در جریان سال کمیشنی عالی سازمان
ملل متحد برای مهاجرین به 277,801 مهاجر عودت کننده مساعد نمود که در آن جمله 274,172 نفر از پاکستان عودت
نموده بودند . مجموعاً 3188 مهاجر دارای اسناد افغانی بصورت داوطلبانه به کمک کمیشنی عالی ملل متحد برای
مهاجرین الی اوسط نوامبر از ایران به کشور برگشتند . تعداد بازگشت کننده گان به مقایسه سال گذشته کاهش قابل ملاحظه
را نشان میدهد و علت عمده آن این بود که کمیشنی عالی ملل متحد برای مهاجرین به مهاجرین ثبت نشده در پاکستان
پیشنهاد نمود که برای یک بار به کمک این کمیشنی در سال 2007 به کشور عودت کنند . در سال 2007 حدود 206000
مهاجر ثبت نشده از این فرصت کمیشنی عالی ملل متحد برای مهاجرین استفاده کردند . هر چند تعداد بازگشت کننده گان
به نسبت سال گذشته اندک بود اما در مقایسه با سال 2006 تقریباً دو برابر بود .

ادامه شورشها و نگرانی های ناشی از آن به علاوه مشکلات اقتصادی تعدادی زیادی از مهاجرین افغان را از عودت به
کشور بازداشت . در پاکستان سه کمپ از جمله چهار کمپی که باید در جریان سال مسدود میشد فعال باقیماند . شیر محمد
اعتباری وزیر مهاجرین و عودت کننده گان این تقاضای کمیشنی عالی سازمان ملل متحد برای مهاجرین را رسماً رد
نمود که در آن افزایش اسکان مجدد مهاجرین خواسته شده بود . وزیر مهاجرین علت این اقدام را کمبود ظرفیت و منابع
مالی برای جذب تعداد بیشتر اتباع نیازمند خواند . در ملاقات سه جانبه 30 آگست میان افغانستان ، پاکستان و کمیشنی
عالی ملل متحد ، کشور پاکستان ضرب العجل یک جانبه 31 دسمبر 2009 خود جهت عودت همه مهاجرین افغان را ترک
نمود .

کمیشنی عالی ملل متحد برای مهاجرین تخمین میکند که حدود 2 اعشاریه 6 میلیون مهاجر افغان تا هنوز در ایران و
پاکستان به سر میبرند . ایران به اخراج مهاجرین اقتصادی ادامه داده است . در جریان سال ایران 403450 افغان را که
بصورت غیر قانونی در ایران سکونت داشتند اخراج نمود . تعداد بیشتر این افراد مجردانی بودند که بخاطر دریافت کار به
آنکشور رفته بودند . تعداد از این اخراج شده گان افراد آسیب پذیری بودند که با رسیدن به افغانستان به کمک های بشری
نیاز داشتند . اشکال عام آسیب پذیری جدی بر اساس تعریف کمیشنی عالی سازمان ملل متحد برای مهاجرین اطفال خرد
سالی اند که عضو بزرگ فامیل با آنها نباشد ، معتاد مواد مخدر باشد ، تکلیف روانی داشته باشد و یا هم بیماری شدید جسمی
داشته باشد . علاوه بر این تعداد اندکی از مهاجرین دارای اسناد نیز اخراج شدند که در بازگشت مجدد به ایران با مشکلات
مواجه بودند . حکومت افغانستان و کمیشنی عالی سازمان ملل متحد برای مهاجرین بر این اخراج ها اعتراض کردند .

فصل سوم ، احترام به حقوق سیاسی :

حق اتباع در تغییر حکومت شان

قانون اساسی به اتباع حق میدهد تا از طریق مسالمت آمیز حکومت شان را تغییر دهند و اتباع از این حق در جریان انتخابات ریاست جمهوری در سال 2004 و در انتخابات پارلمانی 2005 استفاده کردند.

انتخابات و احزاب سیاسی :

در سال 2004 اتباع افغانستان حامد کرزی را طی انتخاباتی که برای اکثریت مردم کشور قابل قبول خوانده شد به صفت نخستین رئیس جمهور منتخب از طریق دموکراتیک برگزیدند. ناظرین گفتند انتخابات با معیارهای جهانی برابر نبوده و بی نظمی هایی را مشاهده کرده اند که در آن تهدیدهای وسیعی رای دهنده گان و کاندیدان مخصوصاً زنان شامل بود. در سال 2005 اتباع کشور در یک انتخاباتیکه اکثریت مردم آن را با اعتبار خواندند 249 عضو ولسی جرگه یا مجلس سفلی شورای ملی را انتخاب کردند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و یوناما گزارش دادند که مقامات محلی سعی کردند بر نتایج انتخابات 2004 و 2005 نفوذ داشته باشند. در سال 2005 قوای ضد حکومت 7 کاندید عضویت در پارلمان دو عضو کامیاب شده به پارلمان و حد اقل 4 کارمند انتخابات را به قتل رساندند. جنگجویان در یک کمپاین افراد ملکی و کارمندان انتخاباتی را بخاطری هدف قرار دادند تا انتخابات ملکی را مختل سازند. بر طبق گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر در جنوب و جنوب غرب قوای ضد حکومت توانستند تعداد رای دهنده گان را تقریباً به یک ثلث کسانیکه ثبت نام نموده بودند کاهش دهند. بتاريخ 6 اکتوبر ثبت نام رای دهنده گان برای انتخابات ریاست جمهوری 2009 و انتخابات شورای های ولایتی و نیز انتخابات 2010 پارلمانی تحت هدایت کمیسیون مستقل انتخابات آغاز یافت.

رئیس جمهور و شورا های ولایتی اعضای مشرانو جرگه یا مجلس علیای شورای ملی را انتساب کردند. عرف احزاب نیرومند سیاسی وجود نداشت اما احزاب به آهستگی در شورای ملی رشد میکردند. وزارت عدلیه بیش از 100 حزب سیاسی را قبول و برسمیت شناخته بود. احزاب سیاسی قادر بودند تا فعالیت های خود را در سراسر کشور انجام دهند به استثنای مناطقی که فعالیت های شورشیان در آنجا وضع عمومی امنیتی را مختل ساخته بود. تعداد زیادی از رهبران سیاسی، رهبران قبلی مجاهدین و شورشیان اعضای فعال پارلمان بودند. گزارشهایی وجود داشت که عده یی سعی کردند با استفاده از هراس افگنی و تهدید ارا اعضا دیگر را تحت تاثیر قرار دهند. کمیسیون مستقل حقوق بشر و یوناما گزارش دادند که مقامات گاهگاهی در امور احزاب سیاسی مداخلت میکردند. احزاب خود نیز تا حدی زیادی از سانسور خودی کار گرفتند. در بعضی مناطق کشور احزاب سیاسی بطور آشکاری سرکوب و یا محدود ساخته شده بودند.

هر چند اشتراک سیاسی زنان تا حد زیادی مورد قبول واقع شد اما عناصری وجود داشت که به مخالفت خود با این روش ادامه میدادند. زنانیکه در سطح جامعه فعال اند با تهدیدها و خشونت بیش از حد مواجه شدند. طوریکه در قانون درج شده است از جمله 249 عضو ولسی جرگه 68 آنها را زنان تشکیل میدادند. رئیس جمهور کرزی 17 زن را به صفت اعضای انتسابی مجلس 102 عضوی مشرانو جرگه معرفی نمود و 7 زن دیگر از طریق انتخابات به مشرانو جرگه راه یافتند که در نتیجه تعداد مجموعی زنانیکه به مشرانو جرگه راه یافتند به 23 زن رسید. در کابینه فقط یک زن حضور داشت. درستره محکمه هیچ زن وظیفه نداشت.

هیچ قانونی وجود نداشت که اقلیت ها را از اشتراک در زنده گی سیاسی منع کند اما گروه های مختلف قومی شکایت داشتند که آنها در ولایتی که اکثریت را تشکیل میدهند به وظایف دولتی دسترسی مساویانه ندارند. بر طبق قانون 10 کرسی ولسی جرگه باید به کوچی ها اختصاص داده شود. عده از اعضای پارلمان با این سهمیه موافق نبوده و استدلال میکردند که بر اساس قانون اساسی تمام گروه ها دارای حقوق مساوی اند.

فساد در حکومت و شفافیت :

بر طبق قانون فساد حکومتی با مجازات جرمی مواجه میشود اما حکومت همیشه قانون را بطور موثر تطبیق نمیکرد و مقامات حکومتی با داشتن معافیت پیوسته در فساد آغشته بودند. در ماه مارچ دفتر ملل متحد برای مبارزه مواد مخدر و جرایم بینایی صادر نمود که حکومت را تشویق کرد تا قاچاقبران بزرگ مواد مخدر را که بعضاً با مقامات حکومتی رابطه دارند تعقیب جدی کند و در بیانیه گفته شد که قاچاقبران و مافیای مواد مخدر و مقامات فاسد حکومتی با معافیت فعالیت میکنند. حکومت بخاطر جلوگیری از فساد به یک سلسله اقدامات دست زد که طی آن دولت افغانستان شامل کنوانسیون ملل متحد بر ضد فساد شد، قانون جدید ضد فساد را تصویب نمود و اداره جدید ضد ارتشا و فساد اداری را بوجود آورد. اما تا آخر سال همه این اقدامات جنبه عملی نیافته بود. حکومت در ماه سپتمبر دو واحد ضد فساد را توظیف نمود و آنها پروگرام های آموزشی را برای کارمندان در ماه نوامبر آغاز کردند. رئیس جمهور یک وزیر کابینه، چند والی، قوماندانان پولیس و سایر مامورین را بخاطر دخیل بودن شان در فساد و ارتشا بر طرف نمود.

فقدان احتساب سیاسی و ظرفیت تخنیکي نظارت بر مصارف دولت و معاشات اندک فساد در دولت را افزایش داده بود . ناظرین ادعا میکنند که والیانیکه بر طبق ادعا در تجارت مواد مخدر دخیل اند و با سابقه تخطی از حقوق بشری دارند از طرف دولت به وظایف مختلف مقرر میشوند و با معافیت نسبی کار میکنند . قانون اساسی به اتباع این حق را میدهد تا به معلومات حکومت دسترسی داشته باشند مگر اینکه این دسترسی حق دیگران را تلف نماید. در عمل حکومت بصورت مجموعی دسترسی به معلومات میدهد اما مقامات محلی در وقت درخواست برای ارائه معلومات همکاری کمتری میکنند . پایین بودن ظرفیت حکومت نیز دسترسی به معلومات را شدیداً محدود ساخته است .

فصل چهارم : روش حکومت در برابر تحقیقات جهانی و غیر حکومتی در مورد تخطی ها از حقوق بشر .

گروه های مختلف داخلی و بین المللی حقوق بشر بدون اعمال محدودیت از جانب حکومت فعالیت داشتند ، موضوعات مربوط به حقوق بشر را تحقیق میکردند و یافته های خویش را به نشر میرساندند . صد ها موسسه غیر دولتی حقوق بشری بصورت مستقلانه فعالیت داشت که گروه های حامی حقوق زنان ، حقوق آزادی مطبوعات و حقوق معیوبین در آن شامل بود . مقامات حکومتی معمولاً همکاری میکردند و به نظریات این سازمان ها پاسخ میدادند . فقدان امنیت و وجود بی ثباتی در بعضی مناطق کشور فعالیت موسسات غیر دولتی در این مناطق را شدیداً متاثر ساخته بود . در جریان سال گروه های مسلح و طالبان موسسات غیر دولتی را مستقیماً هدف قرار میدادند . حکومت با موسسات دولتی بین المللی همکاری نموده به آنها اجازه داد که از کشور دیدن نمایند . گزارشگر سازمان ملل متحد در مورد اعدام های بدون محاکمه ، فوری و عمدی فیلیپ الستون در ماه می از کشور بازید نموده و مذاکرات وسیعی را با قوماندانان قوای بین المللی ، مقامات حکومتی ، رهبران قبایل و سایر مسئولین به عمل آورد . وی گزارش داد که الی بازید وی شورشیان 300 فرد ملکی و قوای بین المللی حدود 200 فرد ملکی را به قتل رسانده اند . مهمترین موضوع راپور ابتدایی الستون شامل این توصیه ها بود که شفافیت قوای نظامی بین المللی در تحقیقات در مورد واقعات تلفات افزایش یابد . احتساب قوای موسوم به " کمپاین " که به قوای استخباراتی مسول اند بیشتر شود ، سیستم پولیس و قوای قضائیه اصلاح شود ، از سو استفاده های طالبان و سایر عناصر ضد حکومت از حقوق بشری جلوگیری شود و مشکل قتل بدون محاکمه زنان که معمولاً نادیده گرفته میشود حل گردد .

رادیکا کوما را سامی نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای اطفالیکه در تصادمات مسلحانه گیرمانده اند در ماه های جون و جولای از کشور بازید بعمل آورد . وی گزارش داد تعداد اطفالیکه قوای ضد حکومت از آنها جهت مقاصد نظامی استفاده میکنند طی چند ماه گذشته افزایش یافته است . طالبان از اطفال به مثابه حمله کننده گان انتحاری کار میگیرند در حالیکه اطفالیکه توسط پولیس ملی و ملیشه ها جلب میشوند بعداً در استفاده جنسی از آنها آسیب پذیر میشوند . کمیسیون مستقل حقوق بشر که بر اساس قانون اساسی فعالیت میکند به دفاع از حقوق بشری ادامه داده است . رئیس جمهور این کمیسیون 9 عضوی را مقرر نموده که عموماً مستقل از کنترول حکومت عمل کرده است . کمیسیون در مورد ادارات حکومتی و کارکرد های آن انتقاد شدید نموده و شکایت ها در مورد سو استفاده از حقوق بشر را قبول و مورد تحقیق قرار میداد .

کمیسیون مستقل حقوق بشر در خارج از کابل نیز 12 دفتر محلی داشت . کمیسیون در ازدیاد آگاهی عامه و جهت دادن به پالیسی ملی در مورد حقوق بشری تا حد معقولی نفوذ داشت . در سال 2007 عده از اعضای شورای ملی خواستند تا قانونی را مورد تجدید نظر قرار دهند که صلاحیت های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تشریح میکند و پیشنهاد نمودند که در جمله اعضای کمیسیون علمای مذهبی که از شریعت آگاه باشند شامل شوند . در این مورد الی اخیر سال هیچ اقدامی صورت نگرفت . اما در سال 2007 رئیس جمهور کرزی یک عالم مذهبی را به صفت یک کمیشنر حقوق بشری مقرر نمود که در جریان سال به همین وظیفه خود ادامه داد .

حکومت بودجه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را فراهم نمیکند و کمیسیون هم چنان به تمویل کمک کننده گان بین المللی متکی بود . در سال 2005 حکومت پلان عمل برای صلح ، عدالت و آشتی را به همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر و یوناما ایجاد کرد . در این پلان اقدامات سمبولیک چون ایجاد آبد های ملی ، میوزیم ملی ، اصلاحات در ادارات و تحقیق در مورد کارمندان دولتی شامل بود تا معلوم شود که در گذشته در مظالم سهیم نباشند . اقدامات دیگر این پلان اصلاحات در سیستم عدلی و قضایی ، دریافت اسناد حقیقت یاب در مورد مظالم گذشته ، توسعه آشتی ملی و وحدت ملی از طریق بحث های عامه و آگاهی های عامه و تاسیس یک میکانیزم احتساب تا بتواند آنانی را که در تخطی های جدی حقوق بشری دخیل اند به میز عدالت بکشاند . را در بر میگرفت . یک گزارش 3 نوامبر مرکز بین المللی عدالت انتقالی خاطر نشان ساخت که حکومت افغانستان بخاطر توسعه تلاش های عدالت انتقالی تمایل سیاسی اندکی نشان داده است . در جریان سال یک کمیته تقرر مامورین عالیرتبه دولتی سابقه کاندیدان متعدد وظایف را قبل از تقرر آنها با چند منبع به شمول اداره دایاک

یا پروسه انحلال باند های مسلح غیر قانونی و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مورد تجدید نظر قرار میداد. در سال 2007 هر دو مجلس شورای ملی که دارای اعضای زیادی متهم به تخطی از حقوق بشر است لایحه عفو عمومی را تصویب کرد که به هر شهروندی که در مظالم دو نیم دهه گذشته دخیل باشد به شرطی که از حکومت مرکزی و قانون اساسی اطاعت کند، عفو عمومی اعلان کرد. الی اخیر سال رئیس جمهور کرزی این لایحه را توشیح نکرد. حکومت در حمایت از عدالت انتقالی هیچ اقدامی مثبتی به عمل نیاورد.

در ولسی جرگه سه کمیته با موضوعات مربوط به حقوق بشر مرتبط است. این کمیته ها عبارت اند از کمیته جنسیت، جامعه مدنی و حقوق بشر، کمیته مبارزه با مواد مخدر، مسکرات و فساد اخلاقی و کمیته اصلاحات عدلی قضایی، اداری و مبارزه با ارتشا و فساد.

در جریان سال این کمیته ها مسوده های چندین لایحه قانون را قبل از آنکه به پارلمان تقدیم شود ارزیابی نموده و مجالس استماعیه تأییدی را در مورد چندین کارمند تعیین شده از جانب رئیس جمهور راه انداختند.

فصل پنجم:

تبعیض سو استفاده اجتماعی و قاچاق انسان ها:

قانون اساسی تبعیض میان اتباع کشور را منع قرار داده، خواهان حقوق مساوی برای مردان و زنان است اما رواجهای محلی و اعمال تبعیض آمیز بر ضد زنان در بیشتر نقاط کشور وجود داشت. حقوق مساوی بر اساس نژاد، معیوبیت، زبان و یا موقف اجتماعی صریحا در قانون ذکر نگردیده است. گزارشهای مبتنی بر تبعیض بر اساس نژاد، قومیت، دین و جنسیت وجود داشت.

زنان

قانون عمل زنا را جرم میپندارد که مجازات آن مرگ است اما بر اساس شریعت که قانون کشور به اساس آن بنا یافته و نمیتواند با آن در تضاد باشد تجاوز جنسی شوهر بر خانمش جرم پنداشته نمیشود. بر اساس شریعت زن در یک قضیه زنا باید چندین شاهد حادّه را حاضر سازد در حالیکه مرد میتواند خود ادعا کند که این مجامعت برضایت جانبین صورت گرفته است که چنین اقرار اکثرا باعث محکومیت قربانی عمل جنسی به اتهام جماع میشوند. جماع داوطلبانه در قانون جزا جرم دانسته شده و جماع قبل از ازدواج جرم پنداشته نشده است. اما مقامات محلی اکثرا آن را یک تخطی اخلاقی میپندارند. در حالیکه وزارت داخله در جریان سال از 226 واقعه تجاوز جنسی خبر داده است اما عقیده بر آنست که تعداد واقعی این واقعات خیلی زیاد بود. از جمله واقعات گزارش شده 28 تجاوز جنسی بر زنان و 198 واقعه آن تجاوز جنسی بر مردان بوده است، وزارت داخله گزارش داد که در ارتباط به تجاوزات جنسی 172 نفر را دستگیر نموده است. ارقام محکومیت این افراد دستگیر شده معلوم نبود.

چون تجاوز جنسی به قربانی آن عیب پنداشته میشود بنا مستند ساختن و شمارش آن مشکل است. قربانیان زن در نتیجه این تجاوز با عکس العمل شدید اجتماعی مواجه میشوند. چنانچه قابل ازدواج پنداشته نمیشوند و یا هم زندانی میگردند. بر طبق معلومات موسسات غیر دولتی مقامات زندان نیز زنان را مکررا مورد تجاوز جنسی قرار داده اند.

قانون جزای افغانستان عمل تجاوز جنسی را جرم می داند و محاکم بر اساس همین ماده بر ضد مرتکبین تجاوز جنسی اصدار حکم میکردند. بر طبق گزارشات موسسات غیر دولتی بر حقوق بشری صد ها هزار زن توسط شوهران، پدران، برادران، افراد مسلح، سیستم های موازی قانون و ادارات دولتی چون پولیس و سیستم قضایی تعرض میشود. عناصر زیادی در جامعه خشونت علیه زنان را تحمل و یا خود تعمیم میکنند. یک ماه بعد از معرفی زنان به خانه امن توسط وزارت امور زنان این خانه 50 واقعه جدید قربانیان خشونت های خانواده گی را دریافت نموده است. بر طبق گزارش خانه امن اقتصاد ضعیف و وضع خراب امنیتی، خشونت های داخلی یا خانواده گی را افزایش داده است. مقامات ندرتا تخطی کننده گان را تحت تعقیب عدلی قرار میدادند و فقط در بعضی موارد واقعات تجاوز جنسی، قتل و یا خودکشی زنان را مورد تحقیقات قرار میدادند. هرگاه قضایا به محاکم راجع میشدند متهمین معمولا تبریئه میشدند و یا با مجازات خفیف مواجه می گردیدند. رئیس یک خانه امن در کابل گزارش داد که خشونت های داخلی در اکثر خانواده ها بوقوع می پیوندد اما نسبت اینکه چنین اعمال در جامعه پذیرفته شده گزارش داده نمیشود.

خشونت های خانواده گی معمولا شامل لت و کوب زنان و اطفال و در موارد اندک شامل سوختاندن زنان میشود. در جریان سال کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تلاش های مزیدی به خرچ داد تا ارقام خشونت بر علیه زنان را جمع آوری کند.

در سراسر کشور حد اقل 19 خانه امن زنان وجود داشت. 5خانه امن که در کابل موقعیت دارد به بیش از 100 زن و دختر امان داده است.

وزارت امور زنان و سایر ادارات زنان را بخاطری به این مراکز معرفی میدارند تا به زنانیکه از خشونت های خانواده گی فرار میکنند و یا زنانیکه در خصومت های خانواده گی خواهان کمک حقوقی اند ، تحفظ ، مسکن ، غذا ، آموزش و مراقبت صحتی را فراهم کند . بر طبق گزارش وزارت امور زنان روزانه الی 20 زن و دختر به دفتر حقوقی آنها معرفی میگردند اما محل سکونت در خانه های مخصوص امن محدود بود . زنانیکه در کابل به حفاظت ضرورت دارند هرگاه زمینه اسکان شان در خانه های امن کابل میسر نشود اکثرا" به زندان فرستاده میشوند .

نظریه خانه امن برای زنان در جامعه بصورت عام پذیرفته نشده است و بسیاری از مردم بر آنها اعتماد نکرده و فواید آن را نمیدانند . رئیس یکی از خانه های امن گفت وی همیشه از خانه های امن به عنوان " مرکز مصالحه " یاد میکند زیرا عنوان " خانه امن " به مفهوم منفی تلقی میشود . زنان پولیس که بخاطر کمک به خشونت های داخلی تربیه شده اند شکایت میکنند که به آنها توصیه شده است تا بخاطر کمک به قربانیان به محلات آنها نروند بلکه انتظار بکشند تا قربانیان خود غرض محافظت به پولیس مراجعه کنند . این کار وظیفه آنها را مشکل ساخته است زیرا راپور خشونت های خانواده گی در جامعه مورد پسند نیست . یوناما گزارش داد که رهبری پولیس اکثرا" به پولیس انات و سایل و موتر فراهم نمیکند تا در خارج از ماموریت پولیس به تحقیقات بپردازند . اما یک موسسه غیر دولتی در هرات گزارش داد زنانیکه اخیرا" از مراکز تربیوی پولیس آنجا فارغ شده اند در تحقیقات جرایم به شمول تحقیقات در مورد خشونت های فامیلی فعال بوده اند . در جریان سال یک موسسه غیر دولتی داخلی 4 مرحله آموزشی را در مورد خشونت های داخلی برای پولیس انات کابل دایر نمود که در آن واحد های پاسخ خانواده گی پولیس نیز شامل بودند . واحد های پاسخ خانواده گی اکثرا" دارای پولیس انات اند که قضایای چون خشونت و جنایات علیه زنان ، اطفال و خانواده ها را دنبال میکند . آنها بخاطر جلوگیری از خشونت بیشتر خانواده گی به میانجی گیری و تهیه منابع نیز متوسل میشوند .

زنان هم چنان با تخلفات وسیع حقوق بشری مواجه بوده و از حقوق خود در قانون بی خبر مانده اند . تبعیضات در مناطق اطراف و قرای کوچک شدید بود . زنان در مناطق شهری در دسترسی به اشتراک در زنده گی عامه ، تعلیم و تربیه ، مواظبت صحتی و بدست آوردن کار به موفقیت ها نایل میشدند اما محرومیت از تعلیم بخاطر شورشهای جاری ، محدود بودن فرصت های کار و تهدید خشونت مثل سابق قابلیت تعداد بیشتر از زنان را در بهبود وضع زنده گی شان با موانع مواجه ساخته بود .

تبعیض اجتماعی بر ضد زنان ادامه داشت که در آن تخطی های حقوق بشری در خانواده ، تجاوز جنسی ، ازدواج اجباری ، در بد دادن دختران بخاطر حل منازعات فامیلی ، اختطاف ها و قتل ناموس داری شامل بود . در بعضی از مناطق اطراف مخصوصا" در جنوب به زنان اجازه داده نمیشد تا بدون همراهی عضو مرد خانواده منزل را ترک گویند . در ماه می یک مرد خانمش را همراه با مرد دیگری که با او یکجا دیده بود در پلخمیری به ضرب گلوله از پا در آورد . بتاریخ 4 جون یک مرد در ولایت بغلان عروسیش را فقط سه روز بعد از عروسی سر برید . بر طبق گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر در جریان سال 2558 واقعه خشونت علیه زنان وجود داشت . هر چند پولیس ، خرنوالان و قضات در قضایای جنایی و محاکمه های ملکی مربوط به خشونت ها و ازدواج های اجباری با زنان از تبعیض کار می گرفتند اما تعداد فزاینده وکلای مدافع طبقه انات از موکلین زن خویش در همچو قضایا در محاکم رسمی و در شورا های محلی موفقانه دفاع کردند . کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تخمین میکند که حدود 40% ازدواج ها اجباری است و در این کتگوری 20 در صد ازدواج های تنظیم شده از جانب خانواده است . در همچو ازدواج ها به دختران اجازه داده میشود که از قبول پسر مورد نظر خانواده انکار کنند اما اجازه ندارند که در انتخاب شوهر خود نقش داشته باشند . در جریان سال کمیسیون 30 قضیه را ثبت نموده است که طی آن زنان بخاطر حل منازعات به بد داده شده اند . این وقایع در حالی صورت میگیرد که همچو ازدواج ها توسط فرمان ریاست جمهوری ممنوع قرار داده شده است . تعداد وقایع مشابه که گزارش نشده است بمراتب بلند تر از این بود .

بتاریخ 8 جون مطبوعات گزارش دادند که یک دختر 20 ساله بخاطر ازدواج اجباری وی با یک مرد سالخورده خود کشی کرد . بر طبق گفته یک قوماندان امنیتی الی اخیر سال تحقیقات در مورد ادامه داشت . بر طبق گزارش موسسه ومن کایند 87 % از زنان شکایت داشتند که آنها قربانی خشونت قرار گرفته اند که نیمی از این خشونت ها جنسی بوده است . بر طبق این گزارش بیش از 60% ازدواج ها اجباری بوده و با وجود ممانعت قانون 57% ازدواج ها در سن کمتر از عمر قانونی 16 سال صورت گرفته است . بر طبق راپور تعداد زیادی از این ازدواج ها به عنوان جبیره یک جنایت و یا در بدل قرض ها صورت گرفته است .

مقامات محلی بعضا" زنان را بنابر تقاضای خانواده ها بخاطری زندانی ساخته اند که با انتخاب شوهر شان توسط خانواده ها مخالفت کرده اند و یا متهم به روابط جنسی و شوهر دومی بودند . زنان هم چنان از جانب شوهران شان که آن ها را ترک

کرده بودند متهم شدند که شوهر دومی گرفته اند. این شوهران وقتی به سراغ زنان متروکه شان آمدند که زنان مجددا با کسانی دیگری ازدواج نمودند.

مقامات محلی بعضاً زنان را بخاطری محبوس ساخته اند که افراد ذکور خانواده مرتکب جرمی شده بودند و مقامات نتوانستند آنان را پیدا کنند. یک عده زنان بخاطری در زندان ماندند که نسبت خشونت های خانواده گی و یا مواجه شدن با ازدواج اجباری فرار منزل نموده بودند. چندین دختر میان سنین 17-21 سال بخاطری در زندان پلچرخ محبوس ماندند که بعد از فرار از ازدواج ضد بشری اجباری دستگیر شده بودند.

کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان 76 قتل برای حفظ ناموس را در جریان سال ثبت کرده است اما تعداد واقعی همچو قتل ها برآتب بیشتر از این بوده است. بر طبق گزارش یک موسسه غیر دولتی داخلی یک دختر 18 ساله در ولایت کاپیسا زمانی توسط برادرش به قتل رسید که وی از ازدواج اجباری فرار نمود. بر طبق گزارشها وقتی این دختر به یک خانه امن در کابل فرار نمود، والی کاپیسا در مورد مداخله نموده، دختر را پناه داد و مادرش را مجبور ساخت تا وی را به کاپیسا برگرداند که در نتیجه دختر کشته شد.

زنان بعضاً دست به خودسوزی میزدند و این کار را در صورتی انجام میدادند که درک میکردند راه دیگری بخاطر نجات از این وضعیت وجود ندارد. در جریان سال کمیسون مستقل حقوق بشر 72 قضیه خودسوزی را درج نمود در حالیکه این رقم در سال 2007 به 110 واقعه بالغ میگردید. سایر سازمان ها طی دو سال گذشته یک افزایش کلی را در خود سوزی ها نشان میدهند. بنابر راپور کمیسون تقریباً همه این زنان بر خود تیل انداخته و بعداً خود را آتش زده اند. در جریان 6 ماه اول سال در هرات تنها شفاخانه شهر هرات 47 واقعه خود سوزی زنان را ثبت کرده است که از جمله 40 زن جان باخته اند

گزارشهایی نیز وجود داشت که طی آن اعضای خانواده بر زنان تیل انداخته و آنها را آتش زده و بعداگ چنان وانمود کرده اند که زنان خود سوزی نموده اند.

زنائیکه در زنده گی عامه فعال اند با سطح قابل ملاحظه تهدید ها و خشونت ها مواجه بودند. با وجود مخالفت عناصر افراطی و شورشیان اشتراک زنان در سیاست با حمایت حکومت تا حدی مورد قبول واقع شده بود. تعداد زیادی از وکلای زن در پارلمان گزارش داده اند که بمرگ تهدید شدند. زنان همچنان هدف حملات طالبان و شورشیان بودند. همچو گذشته شورشیان شب نامه ها نشر میکردند و زنائی را که در دفاتر حکومتی، انجو های داخلی و سازمان های خارجی کار میکردند مورد تهدید قرار میدادند. زنائیکه با تهدید مواجه میشدند پیوسته مجبوراً محل سکونت شان را تغیر میدادند تا از اذیت تهدید کننده ها در امان بمانند.

فحشا غیر قانونی بود اما وجود داشت. تعداد زیادی از ناظرین، خبرنگاران و سازمان های بین المللی معتقد بودند که "ازدواج های موقت" نیز نوعی از فحشا بود. ازدواج های موقت به مرد و زن اجازه میدهد تا در بدل مهر از یک روز تا چند ماه طور موقت ازدواج کنند. گفته میشد که چندین رستوانت چینایی فاحشه خانه داشته و در آن جا زمینه فحشا آماده میگردد.

هیچ قانونی وجود نداشت که مشخصاً اذیت جنسی را منع قرار میداد. زنائیکه در مورد تخلفات بشری علیه شان گزارش دادند و یا هم خواهان غور حقوقی بر شکایات شان شدند از تبعیض وسیع در سیستم قضایی بر ضد شان خبر دادند. قوانین محلی خانواده گی و ملکیت صریحاً در مورد زنان تبعیض آمیز نبودند اما در قسمت هایی از کشور که محاکم فعال نبود و یا فهم از قانون در پایین ترین سطح قرار داشت بزرگان قومی بر شریعت و رواجهای محلی متکی بودند که در برابر زنان تبعیض آمیز بود.

اکثر زنان از دسترسی محدود به عدالت در شورا های قومی خبر دادند. جاییکه همه جلسات آن توسط مردان رهبری میشود به زنان در بعضی قریه ها اجازه داده نمیشود که در جلسات حل منازعات اشتراک کنند. گروه های مدافع حقوق زنان خبر دادند که حکومت با فرستان نامه ها به محاکم محلی مداخلت نموده آنها را تشویق مینمودند که قوانین را به نحوی تفسیر نمایند که با حالات زنان سازگار باشد.

حکومت و انجو ها به توسعه آزادی ها و حقوق زنان ادامه دادند اما بر طبق ارقام وزارت امور زنان طبقه اناث 25% از کارمندان دولت را تشکیل میداد. تلاش هایی در جریان بود تا واحد های جندر را در چندین وزارت خانه تشکیل دهند. وزیر خارجه یک خانم را به حیث رئیس دفتر خود تعیین نمود. وزارت امور زنان اداره عمده حکومتی است که مسول رفع نیازمندی های زنان میباشد. این وزارت در ولایات نیز نماینده گی ها داشت. اما این وزارت با قلت ظرفیت ها و بودجه مواجه بود. ریاست های ولایتی این وزارت توانسته است برای صد ها زن مشوره های قانونی و خانواده گی را فراهم ساخته و در مواردی که خود نمیتوانست مستقیماً زنان را کمک کند آنها را به سازمان های مربوط ارجاع مینمودند. فشار های غیر رسمی اجتماعی و خانواده گی اکثریت زنان در مناطق دهاتی را وادار ساخت که چادری بپوشند و اکثریت زنان حتی در کابل سر هایشان را میپوشاندند. از آنجاییکه دسترسی به مناطق اطرافی و قریه جات با احداث سرک های

جدید آسان تر شده است زنانیکه قبلاً "رو پوشیده نبودند اکنون هنگام کار در مزرعه چادری میپوشند تا از نظر افراد شریر در امان بمانند .

به استثنای کار مروجۀ زنان در زراعت ، مقامات محلی در برخی از مناطق زنان را از همه کار های خارج از خانه محروم نموده بودند .

اطفال

حکومت تعهد مداومش را در مورد رفع نگرانی های اطفال آسیب پذیر و خانواده هایشان نشان داده است . در سال 2006 حکومت ستراتیژی ملی اطفال در معرض خطر را ایجاد نمود که توسط وزارت کار ، امور اجتماعی ، شهدا و معلولین طرح شده بود و هدف آن بهبود مواظبت از اطفال آسیب پذیر و خانواده هایشان بود . در سال 2007 وزارت صحت عامه 500 کارمند صحتی را در مورد جلوگیری از سو استفاده از اطفال و خشونت علیه اطفال تربیه نمود . قانون تعلیم الی سطح متوسطه را اجباری ساخته و تعلیم تا سطح فاکولته را مجانی ساخته است . در بیشتر مناطق کشور شمولیت دختران در مکتب شاید افزایش یافته باشد و حتی در بعضی حصص افزایش قابل ملاحظه داشته است . اما تقریباً یک سوم ولسوالی ها و چندین ولایت فاقد مکاتب دخترانه بود . در بعضی مناطق شمولیت دختران در مکاتب تا % 15 پایین بود . حتی در مناطق امن مثل کابل که دسترسی به مکتب مشکلی نیست عده از اعضای مردانه خانواده ها به دختران اجازه نمیدادند که به مکتب بروند . در اکثر مناطق پسران و دختران در مکاتب ابتدایی یکجا درس میخواندند اما در دوران متوسطه و لیسه از هم جدا میشدند . نسبت نا امنی ها ، سهولت های ناکافی ، قلت شدید معلمات و نبود انگیزه در فرستادن دختران به مکتب وضع تعلیمی زنان و دختران نگران کننده بود . در بعض قریه ها دختران در سنین 12 و 13 از رفتن به مکتب باز میمانند زیرا والدین اجازه نمی دهند دختران نوجوان شان توسط معلمین ذکور تدریس شوند . فقدان عمومی محافظت مکاتب از حملات ، سهولت های ناکافی و دور افتاده ، ازدواج های اجباری و قبل از وقت موجب کاهش شمولیت دختران در مکاتب و ترک مکتب توسط تعداد زیادی از دختران گردیده بود .

خشونت ها همچو سابق در برخی از مناطق کشور مانع دسترسی به تعلیم و تربیه میگردد . در این مناطق طالبان و سایر افراط گرایان مکاتب ، مقامات رسمی ، معلمین و متعلمین مخصوصاً مکاتب دختران را تهدید و یا مورد حمله قرار میدادند . در مناطقیکه هنوز مکاتب باز بودند والدین اکثرًا از فرستادن فرزندان شان به مکتب مخصوصاً دختران هراس داشتند . بیشتر تشدد های مربوط به مکاتب در 11 ولایت جنوبی و مناطق سرحدی بوقوع پیوست . وزارت معارف گزارش داد که در جریان سال 120 مکتب مورد حمله قرار گرفته و مجموعاً 651 باب مکتب نسبت خشونت ها مسدود گردیده و به این ترتیب 173.443 متعلم از سال گذشته به این سو از نعمت تعلیم محروم مانده اند . طور مثال در ولایت هلمند از جمله 71203 متعلم عده محدودی به مکاتب رفتند و بیش از 195 مکتب نسبت عدم موجودیت امنیت مسدود مانده بود . یونیسیف یا صندوق حمایت از تعلیم و تربیه اطفال ملل متحد گزارش داد که از جنوری 2007 الی جون 2008 مجموعاً 311 حمله تأیید شده بر مکاتب صورت گرفته که در نتیجه 84 نفر کشته و 115 نفر زخمی گردیده اند .

در جمله مقتولین و مجروحین اطفال مکتب معلمین و سایر کارمندان مکتب شامل اند . بتاریخ 12 نوامبر در خارج از یک مکتب در کندهار تعدادی از مردم بروی شاگردان مکتب تیزاب انداختند . حکومت این عمل را بصورت عاجل محکوم کرد و 10 فرد مظنون را در رابطه با این قضیه بازداشت نمود . یونیسیف گزارش داد که نسبت نبود امنیت به صد ها مکتب در مناطق نا امن جبراً مسدود گردیدند . انجو ها گزارش دادند که در جریان سال بی امنیتی ، روش های محافظه کارانه و غربت باعث محرومیت بیش از دو میلیون طفل واجد شرایط مکتب مخصوصاً در ولایات جنوبی و جنوب شرقی گردید . سو استفاده از اطفال در همه کشور عام بود و این اشکال سو استفاده شامل غفلت عمومی ، سو استفاده جسمانی ، ترک اطفال و مزدوری بخاطر خلاص نمودن قرض های خانواده گی میگردد . وزارت کار و امور اجتماعی گفت کار بر اطفال و لت و کوب اطفال توسط پولیس پیوسته بوقوع پیوسته و بیش از پنج میلیون طفل به کمک های بشری شدیداً ضرورت داشتند . در جریان سال خشکسالی و کمبود مواد غذایی تعدادی زیادی از خانواده ها را مجبور ساخت تا اطفال شان را غرض گدایی و بدست آوردن پول و مواد غذایی به جاده ها بفرستند . بر طبق راپور کمیسیون مستقل حقوق بشر در جریان سال پولیس پیوسته اطفال را لت و کوب نموده آنها را از جاده ها به زندان ها برده اند .

راپور میگوید توقیف خانه های " اطفال مجرم " آنها را از تعلیم محروم ساخته است . در یک بیانیه که بخاطر تبصره بر راپور کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان انتشار یافت یونیسیف گفت برخورد مجازات گونه و تادیبی در مورد عدالت برای اطفال در سرتاسر کشور عام بود . با وجودیکه در قانون ممنوع شده جزا های فزیزی در مکاتب بصورت گسترده وجود داشت .

عمر قانونی ازدواج برای دختران 16 سالگی و برای پسران 18 سالگی بود. ناظرین داخلی و بین المللی گفتند 60% دختران قبل از سن 16 سالگی ازدواج میکردند. در قانون جزا هیچ مجازات صریحی برای آنانی وجود ندارد که ازدواج های اجباری و یا قبل از وقت را سازماندهی میکنند. ماده 99 قانون ازدواج میگوید نکاح صغیره توسط ولی وی صورت میگیرد. در مارچ 2007 ستره محکمه یک نکاح نامه جدید را منظور کرد که طی آن شوهر باید تایید کند که خانمش 16 ساله است و به خانمی که عمر وی از سن قانونی ازدواج کم باشد نکاحنامه صادر نمیشود. بر طبق اظهارات انجوها داخلی اجزای قانونی به اساس همین سند در کابل صورت می گرفت. این اجزای نکاح گاهی مدت بیشتر از یک هفته را در بر میگیرد و یک خانه امن محلی تعداد زیادی از زنان را هنگام اجرای این پروسه نگهداری میکند. کمسیون مستقل حقوق بشر تخمین میکند که حدود 70% قضایای خشونت های خانواده گی ناشی از ازدواج های قبل از وقت بود.

سو استفاده جنسی از اطفال به پیمانهای وسیعی وجود داشت. در جریان سال یک تحقیق کمسیون مستقل حقوق بشر نشان داد که سو استفاده جنسی از اکثر اطفال توسط اقارب دورشان صورت گرفته بود. یک گزارش کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین گفت که از اطفال توسط رهبران قبایل نیز استفاده سو صورت گرفته بود. اداره بین المللی مهاجرت در سال 2008 تعداد واقعات تجاوز جنسی بر اطفال را 36 قضیه ذکر نموده است. در حالیکه تعداد همچو واقعات در سال 2007 به حدود 80 قضیه میرسید اما تعداد واقعاتی که گزارش نشده است خیلی زیاد تر از این بود. بر طبق معلومات کمسیون مستقل حقوق بشر فقط 24% از تجاوز گران جنسی بر اطفال بازداشت میشوند. بر طبق معلومات وزارت داخله واقعات حملات جنسی بر اطفال در جریان سال در شمال افغانستان افزایش یافت. یوناما گزارش داد که طی سال تنها در ولایت تخار 80 واقعه تجاوز جنسی بر دختران میان سنین 8 الی 14 واقع شد بود. کمسیون مستقل حقوق بشر علت بیشتر قضیه های تجاوز جنسی در شمال را این میداند که گزارش واقعات مشابه از جنوب به علت نا امنی ها مشکل بود. نسبت خشونت ها در جنوب سازمان های امدادی و ادارات حکومتی نتوانستند همچو ولایات مصوون شمال در جنوب طور لازم با قربانیان کمک کنند و یا در مورد جنایات واقع شده تحقیق کنند. مطبوعات گزارش داد که در ولایت تخار یک پسر کاکا و دو رفیقش یک دختر 8 ساله را خفه کرده و بر او تجاوز جنسی نمودند. وزارت داخله به جلوگیری از این جنایات پرداخت چنانچه شخصی را در شهر مزار شریف دستگیر کرد که بر یک پسر در یک دوکان ویدیوگیم تجاوز جنسی نموده بود. کمسیون مستقل حقوق بشر گزارش داد که در ماه اگست یک گروه از جوانان بر یک دختر سه ساله در ولایت جوزجان تجاوز جنسی دسته جمعی نمودند. بتاریخ 25 سپتمبر بر طبق گزارش مطبوعات پولیس کابل 7 نفر پولیس را بخاطر تجاوز جنسی بر یک دختر 12 ساله بازداشت نمود. الی اخیر سال دوسیه های حقوقی این قضایا حل نشده بود و یا هم ادامه داشت.

بیجا شدن های ناشی از جنگ نیز اطفال را متأثر ساخت. انجوها گزارش دادند که حدود یک سوم مهاجرین را اطفال تشکیل میدادند. موجودیت اطفال در جاده ها به مثابه یک مشکل در مناطق شهری باقی ماند. اما آمار دقیق این اطفال معلوم نبود. اطفال روی جاده به تسهیلات حکومتی دسترسی نداشتند و یا دسترسی اندک داشتند، هر چند یک تعداد موسسات غیر دولتی به آنها غذا و سرپناه تهیه کردند.

شرایط زنده گی برای اطفال در یتیم خانه ها قناعت بخش نبود. اطفال از سو استفاده ذهنی، جسمی و جنسی از آنها اطلاع داده و نیز بعضی از آنها از داخل یتیم خانه های دولتی خارج ساخته شده قاچاق میشدند. آنها هم چنان به آب صحنی و خدمات صحنی، سهولت های تفریحی و تعلیمی دسترسی مداوم نداشتند.

بر طبق گزارش اداره مبارزه با جرایم ملل متحد در ولایت بادغیس یک مدیر یتیم خانه یک دختر 15 ساله را مورد تجاوز جنسی قرار داده و او را حامله ساخت. مقامات محلی مدیر را دستگیر نمودند و تحقیقات در مورد الی اخیر سال ادامه داشت.

قاچاق اشخاص

قانون جدید که به تاریخ 14 جولای تصویب شد قاچاق انسانها را منع قرار میدهد. قانون ارسال ترانزیت، استخدام، نگهداری و یا گذاشتن یک شخص در تحت کنترل شخص دیگر بمنظور سوء استفاده از او را و یا بهره برداری از وضع خراب مالی او و یا عدم توانایی شخص در مصرف و تصرف در پولش و یا منافع و طرق دیگر فریب را که بمنظور اخذ رضایت فرد قربانی و یا اقارب شخص قربانی اتخاذ شده باشد قاچاق می پندارد. در قانون قاچاقبر انسان بکسی اطلاق میشود که در قاچاق انسان خود سهم میگیرد، دیگران را ترغیب میکند و یا تسهیلات لازم را برای دیگران فراهم میکند تا دست به قاچاق انسان بزنند. قانون همچنان ماده های زیاد دارد که به اساس آن به قربانیان قاچاق انسان کمک میشود و همکاری میان ادارات مختلف حکومت را که در امور محاکمه و تحفظ کار میکنند بوجود می آورد.

کشور یک منبع، نقطه ترانزیت، و هدف نهایی برای قاچاق بران اشخاص است. کشور یک منبع برای قاچاق زنان و اطفال بود که از داخل کشور به ایران، پاکستان و عربستان سعودی برای استفاده جنسی تجاری، قاچاق می شد. اطفال در داخل

کشور بمنظور استفاده جنسی، گدائی اجباری، ویردگی در مقابل قرض در صنایع قالین سازی و کوره های خشت پزی قاچاق می شدند. زنان و دختران محلی ربوده می شوند، توسط ازدواج های دروغین و وعده وظیفه فریب داده می شد و یا همچنان به ازدواج و یا سوء استفاده جنسی تجاری در داخل کشور و یا نقاط دیگر فروخته می شد. اداره بین المللی مهاجرت از 14 قضیه قاچاق اطفال در جریان سال خبر داد، هرچند اعتقاد بر این بود که این یک تخمین پایین بود.

در اخیر سال حکومت 10 هزار پولیس سرحدی را تربیه نمود و آنها را در تمام سرحدات بشمول میدان هوایی کابل و نقاط عبوری سرحدی زمینی گماشتند تا خروج و دخول افراد بکشور را کنترل کند. در ماه مارچ اداره بین المللی مهاجرت و وزارت داخله پروگرام آموزشی را در مورد تحقیق و تعقیب عدلی قاچاقبران برای سران همه ادارات تحقیقات جنایی براه انداخت. فوراً بعد از دوره آموزشی پولیس ملی افغانستان یک واحد ضد قاچاق انسان را تشکیل داد که 6 تن از افسران تربیه شده توسط اداره مهاجرت در آن شامل بودند و وظیفه آنها فقط تحقیق در مورد قضایای مربوط به قاچاق انسان بود. از مارچ 2007 الی مارچ 2008 وزارت داخله 88 قضیه قاچاق انسان را بررسی کرد، 134 نفر را گرفتار و 15 قربانی قاچاق را نجات داد.

وزارت داخله، وزارت عدلیه و ستره محکمه از اداره بین المللی مهاجرت خواست تاپروگرام تربیوی درمورد تطبیق قانون را براه اندازد. وزارت امور زنان با انجو ها همکاری نزدیک داشت تا به قربانیان خشونت های داخلی مشوره و پناه گاه فراهم کند.

دولت در عرصه حفاظت اتباع از قاچاق پیشرفت های متوسطی داشت. حکومت با عربستان سعودی همکاری نمود تا اطفالی را که جهت گدائی اجباری قاچاق شده بوند به کشور عودت دهد. وزارت کار و امور اجتماعی با کمک دفتر یونسف یک مرکز ترانزیت را بمنظور بازگشت این افراد به وطن ایجاد نمود و سائر ارگان ها همچو کمیسیون مستقل حقوق بشر در یکجا ساختن این اطفال با خانواده های شان و اسکان مجدد آن ها کمک نمودند. مرکز ترانزیت به کار خود ادامه داد و در اسکان مجدد اطفال متأثر از جنگ کمک نمود.

فروش اطفال در شمال افغانستان نسبت فقر افزایش یافت. گزارش های مطبوعات مشعربودکه در ماه جنوری در ولایات بلخ، کندز، بغلان و تخار 6 طفل بفروش رسید. وزارت عدلیه یک مرکز نگهداری و کمک به اطفال تحت حمایت ایتالیا را سرپرستی میکرد که در آن قربانیان کوچک قاچاق انسان یعنی اطفال نگهداری میشد. انجوها پناه گاه های داشتند که کمک های طبی و مشوره های روانی و قانونی به قربانیان داده میشد. قربانیان بزرگسال گاهگاهی محبوس میشدند. گزارش سالانه وزارت خارجه امریکا در مورد قاچاق انسان را میتوان به ادرس انترنتی ذیل دریافت نمود:

www.state.gov/g/tip.

افراد معلول :

قانون اساسی هر نوع تبعیض علیه اتباع را منع میکند و حکومت را مسول میدانند تا افراد معلول را کمک کرده و به شمول مراقبت های صحتی و محافظت مالی از حقوق آنان حفاظت کند .

قانون اساسی هم چنان از حکومت میخواهد به منظور تامین و تشکیل زمینه اشتراک فعال افراد معلول در اجتماع تدابیر لازم را اتخاذ کند .

حکومت این محافظت ها را بصورت موثر آن عملی نکرد . وزارت شهر سازی و مسکن تسهیلاتی را در اطراف ساختمان شاروالی کابل و تمام حمام های این شهر برای معلولین ایجاد کرده بود .

وزارت کار امور اجتماعی شهدا و معلولین در ماه اپریل پلان ملی سالهای 2008-2011 برای معلولین افغانستان را به هدف رسیده گی به حقوق و نیازمندی های تمام افراد معلول منتشر کرد .

برطبق سروی ملی معلولین در سال 2006 ، نفوس کشور شامل 747,500 تا 100 ، 867 فرد دارای معلولیت شدید میشد که در این جمله 17 در صد اشخاص معلول ناشی از جنگ و حدود 7 در صد افرادی که در نتیجه ماین های زمینی معلول شده اند شامل بودند . بیش از 72 فیصد تمام افراد معلول آموزش ندیده اند و کمتر از 30 در صد معلولین کار داشتند .

هرچند کمیته های صحتی و احیای مجدد محلی به ارایه خدمات به تقریباً 100,000 تن ادامه دادند ، اما فعالیت های این کمیته ها از جمله 330 ولسوالی به 60 ولسوالی محدود بود . وزارت کار امور اجتماعی شهدا و معلولین بخاطر ایجاد هماهنگی و انکشاف ستراتیژی های پالیسی که فرصت های کاریابی ، دسترسی به آموزش ، مراقبت های صحتی و تحرک بیشتر برای افراد معلول را ایجاد میکند کار کرده است .

در جریان سال خدمات این وزارت از جمله 34 ولایت صرف به 15 ولایت گسترش یافت . گروه های مدافع حقوق معلولین مکرراً عدم اقدام وزارت کار امور اجتماعی شهدا و معلولین در این راستا را مورد اعتراض قرار داد .

از جمله 34 کرسی در مشرانو جرگه که از سوی رئیس جمهور تعیین شده 2 کرسی آن برای معلولین اختصاص داده شده است .

اقلیت های نژادی ، ملی و قومی :

درگیری خشونت آمیزی که بتاريخ 15 جون میان هزاره ها و کوچی ها در ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک به وقوع پیوست برای چندین هفته ادامه یافت . نماینده گان کوچی ها ادعا کردند که هزاره ها 30 کوچی را در هنگام این درگیری کشتند ، اما کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شواهدی برای حمایت از این ادعاها بدست نیاورد . کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در یک گزارش خود بتاريخ 18 اگست نوشته بود که جنگجویان 24 تن از هزاره های ساکن در محل را در جریان درگیری کشته اند . کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان هم چنان گزارش داد که در نتیجه این درگیری ، ساکنین 400 قریه تخلیه شدند و جنگجویان 79 خانه ، 10 دوکان و 3 مسجد را سوختاندند .

به اساس گفته کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پاسخ نیروهای اردوی ملی به این درگیری موثر نبوده و در جلوگیری از افزایش خشونت در این محل ناکام شدند .

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش داد که واحد های پولیس ملی افغانستان در بخش جلوگیری از یک رشته خشونت ها و دادن اجازه به عده از قریه نشین ها بخاطر برگشت آنان به فعالیت های زراعتی موفق بودند .

در اوایل ماه سپتمبر درگیری میان پشتون های بازگشته با سایر ساکنین ولسوالی خواجه بهاولدین ولایت تخار بخاطر جابجایی مجدد این پشتون ها در محل بوقوع پیوست .

رئیس جمهور کرزی هینتی را به منظور وساطت در این قضیه به محل فرستاد . شماری از نماینده گان قوم پشتون در پارلمان به شدت این حرکت مردم تخار را مورد انتقاد قرار داده و هشدار دادند اگر این منازعه ادامه یابد ، پشتون ها گروه های اقلیت نژادی را که در مناطق اکثریت نشین پشتون زنده گی میکنند هدف حمله قرار خواهند داد .

رئیس جمهور واحد های اردوی ملی را به محل اعزام کرد و تلاش های مشترک آنان با میانجی های حکومت منجر به توقف سریع خشونت در آن محل گردید . ادعاهایی مبنی بر تبعیض های اجتماعی علیه هزاره ها و سایر شیعیان ادامه داشت . هزاره ها رئیس جمهور کرزی را که یک پشتون است به رفتار امتیازی با پشتون ها و نادیده گرفتن اقلیت ها به خصوص هزاره ها متهم کردند .

در گزارش سال 2006 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفته شده است هر چند تلاش ها جهت رسیده گی به مشکلات اقلیت های نژادی صورت گرفته و پیشرفت های در برخی از ساحات وجود داشته است ، اما هنوز هم هراس واقعی از اذیت آنان موجود بوده است . ضبط و غصب غیر قانونی زمین از سوی شورشیان و رهبران قبیله یی در شرایط دشوار بیجا شدن افراد را سبب شده است . سایر انواع تبعیض به دسترسی به آموزش ، نماینده گی سیاسی ، و کار در بخش خدمات ملکی ارتباط میگرفت . در یک گزارش سال 2006 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان آمده است هر چند حکومت تلاش کرده است به حل مشکلات که اقلیت های نژادی با آن مواجه هستند رسیده گی کند و در برخی ساحات پیشرفت هایی صورت گرفته ، اما هنوز هراس واقعی از اذیت توسط شورشیان و رهبران قبیله یی وجود داشته است .

ضبط و غصب غیر قانونی زمین ها از سوی افراد زورمند که در بعضی موارد شورشها را به همراه داشت سبب بیجا شدن افراد در شرایط دشوار گردید . تبعیض که در بعضی اوقات سبب اذیت افراد میگردد در برخی ساحات به شکل گرفتن پول از طریق وضع غیر قانونی مالیات ، سربازگیری و کار اجباری ، بهره برداری فیزیکی و بازداشت ادامه داشت . برطبق گزارش کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور مهاجرین ، هر چند بصورت عموم و یا جدی تبعیض علیه فرقه اسماعیلیه (گروه اقلیت مسلمان شیعه) وجود نداشت اما آنان در معرض خطر قرار میگرفتند و این پروسه ادامه داشت .

سایر تبعیضات و بد رفتاری های اجتماعی :

قانون همجنس بازی را به عنوان جرم میپندارد ، اما مقامات این ممنوعیت را بصورت نادر اجرا میکردند .

بخش ششم حقوق کارگران

الف حق تشکیل اتحادیه :

در این قانون مقررات زیادی برای محافظت از کارگران ذکر شده است و در ماه جنوری سال 2007 پارلمان یک قانون جدید کار را به تصویب رساند که به کارگران اجازه ایجاد اتحادیه ها و شمولیت در اتحادیه ها را میدهد. تطبیق این قانون نظر به نبود بودجه ، پرسونل ، اراده سیاسی و اداره اجرایی مرکزی به مثابه یک مشکل باقی ماند . در بیرون از وزارت کار و امور اجتماعی آگاهی در مورد حقوق کارگران وجود نداشت و کارگران از حقوق خود با خبر نبودند .

ب - حق تنظیم و مناقشه دسته جمعی :

حکومت چندین اتحادیه ، به شمول شورای مرکزی اتحادیه ملی کارکنان افغانستان (CCNUAE) که بزرگترین اتحادیه به شمار میرود و چند اتحادیه کوچک دیگر را بدون دخالتی اجازه فعالیت داد . اما وزارت کار و امور اجتماعی گزارش داد که صرف شورای مرکزی اتحادیه ملی کارکنان افغانستان بصورت قانونی نزد آن ثبت است و از این لحاظ به گونه رسمی از سوی حکومت شناخته شده است.

قانون کار سال 2007 حق اعتصاب را نمیدهد و از مناقشه دسته جمعی دفاع نمیکند . اتحادیه ها در طرح این قانون دخیل نبودند . این کشور فاقد عنعنه مناقشه و تنظیم امور کارگران بود . در کشور محکمه مشخصی و یا میکانیزمی دیگری برای حل منازعات مربوط به کارگران وجود نداشت . زون های اجرای امور صادرات موجود نبود.

ج- ممنوعیت کار اجباری و یا تحمیلی :

قانون کار اجباری و یا تحمیلی را به شمول کار اجباری بالای اطفال منع قرار میدهد ، اما گزارش های وجود داشت که همچو اعمال صورت گرفته بود . گزارشهایی به نشر رسیده که دختران و زنان بخاطر تصفیه قرض ها و منازعات به صفت مزدوران به دیگر خانواده ها داده شده اند . بسیاری از کارفرما ها اطفال کارگر را مورد بهره برداری های جنسی و کار های اجباری قرار داده اند .

د-ممنوعیت کار اطفال و حد اقل سن برای کاریابی :

در قانون کار سن استندرد قانونی برای کار پانزده سالگی تعیین شده است ، اما در این قانون مقرراتی برای اطفال دارای سن های 13 و 14 وجود دارد که به آنان اجازه میدهد تا فقط هفته 35 ساعت بحیث کار آموزان وظیفه اجرا کنند . به اساس این قانون اطفال زیر سنین 13 سال تحت هیچ شرایطی اجازه کار را ندارند . شواهدی وجود نداشت که به اثبات برساند مقامات در کدام بخشی از کشور قوانین مربوط به اطفال کارگر را تطبیق کرده باشند .

مسئله کار اطفال به مثابه یک معضله وسیع باقی مانده بود. به اساس آنچه یونسف تخمین میکند دست کم 30 در صد اطفال دارای سنین مکتب ابتدائیه به نحوی اجرای وظایف را به عهده داشتند و بیش از یک میلیون طفل کارگر زیر سن 14 وجود داشت . بیشتر اطفال کارگر شغل های دست فروشی روی جاده و یا دکانداری را اختیار کرده بودند. عده دیگری از اطفال در ولایات شمالی در بخش صنعت قالین باقی کار میکردند . اطفال کارگر در برخی از سکتور ها که سرگرم اجرای وظیفه بودند در معرض خطر مابین های زمینی قرار گرفتند . کمیسین مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC) از موجودیت حدود 60 هزار طفل کارگر در کابل گزارش داده است که اکثریت این اطفال از سایر ولایات کشور به این شهر مهاجرت کرده اند . به اساس معلومات حفاظت از اطفال 5000 هزار طفل در فابریکه های تولید خشت در ولایت ننگرهار به کار گماشته شده بودند .

اطفال خطر های زیادی صحتی و امنیتی را در هنگام اجرای وظیفه متقبل شده بودند و تعدادی از آنان جراحات جدی مثل شکستن استخوان برداشته اند .

وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان گزارش داد که روی حل مشکل اطفال کارگر کار میکند . ستراتیژی ملی اطفال در معرض خطر (NSFCAR) مشکلات اطفال کارگر را مورد توجه قرار داده و به منظور جلوگیری از جدایی خانواده ها و بهره برداری از اطفال خواهان ایجاد خدمات مختلف برای خانواده های آسیب پذیر گردید . تلاش های وزارت معارف در راستای تقویت آموزش های اساسی عمومی مثل ایجاد سیمینار ها در مکاتب و رسیده گی به کارگران در بخش جلوگیری از سو استفاده از اطفال کارگر کمک نمود .

ر- شرایط قابل پذیرش کار:

وزارت کار گزارش داد که حد اقل مزد برای کارمندان حکومتی در طول یک ماه 2000 افغانی معادل 40 دالر امریکایی بوده و این بر سکتور خصوصی هم قابل اجرا است. پارلمان قانونی را تصویب کرد تا حد اقل مزد به 4000 افغانی معادل 80 دالر امریکایی افزایش یابد، اما رئیس جمهور کرزی این قانون را در ختم سال امضا نکرد.

این مبلغ نمیتوانست ستنرد های خوب زنده گی را برای کارمند و خانواده وی فراهم کند و در عمل وجود نداشت. مزد ها در بخش سکتور خصوصی از طرف قوای کار بازار و در بخش کارمندان دولتی از سوی حکومت تعیین میگردد. در جریان سال، کمپنی بازرسان جهان از محل کار چندین فابریکه برق دیدار کرده و گزارش دادند که مزد کارگران غالباً تا اینکه مطابق به میزان تعیین شده پرداخت گردد به اساس وابسته گی های خانواده گی تعیین میگردد. قانون هفته کاری استنرد را 40 ساعت در یک هفته تعیین کرده است که در یک روز همراه با وقفه یکساعته برای صرف نان چاشت و ادای نماز پیشین هشت ساعت میشود.

برای جوانان، زنان حامله، مادران صاحب اطفال شیرخوار، کارگران معدن و سایر وظایفی که خطر را متوجه صحت کارکنان میسازد هفته های کاری کمتری مشخص شده است.

بیشتر استخدام کننده گان در هنگام ادای نماز و روز های رخصتی مذهبی به کارکنان شان اجازه میدادند تا از کار فارغ باشند. قانون برای کارکنان حق دریافت مزد، در کنار رخصتی های ملی رخصتی سالانه، جبران باخاطر جراحاتی که در محل کار بردارند، معاش اضافه کاری، بیمه صحتی برای خود آنان و اعضای نزدیک خانواده، سفر خرچ برای سفر های رسمی، ترانسپورت روزانه، تسهیلات غذا، پرداخت اضافی باخاطر کار های شبانه، حقوق تقاعد و اگر یک کارمند در هنگام اجرای وظیفه فوت میکند مصارف مراسم خاک سپاری را نیز میداد.

این معیار ها بطور موثر به اجرا گذاشته نشد و اتباع عموماً بطور کامل از حقوق کار خود بر اساس این قانون آگاهی نداشتند.

معیار های حرفه یی در بخش صحتی و مصونیت و میکانیزم برای اجرای این معیار ها وجود نداشت. استخدام کارمندان بطور دلخواه بود و هر چند وزارت زیر نام کار و امور اجتماعی وجود داشت، اما بر اساس قانون 1987 و یا 2007 کارمندان کمتر زیر چتر محافظت قرار میگرفتند.

چون تمام پروسه استخدام نمیتوانست بدون دلیلی فسخ شود، کارگران حق نداشتند هنگام قرار گرفتن در وضعیتی که خطر را متوجه صحت و امنیت شان میساخت بدون به خطر انداختن وظیفه شان خود را از همچو وضعیتی نجات بدهند.